

تجاوز نظامی صدام حسین خائن - ششمین توطئه امپریالیسم امریکایی در هم شکستن انقلاب ایران

این مقاله در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۵۹ برای شماره ۷ مجله دنیا نگاشته شد. از آنجا که ۶۰ انتشار این مقاله در مجله مدتی بطول خواهد انجامید، نظر به اهمیت ارزیابی‌هایی که در آن انجام گرفته است، متن آن را در شماره امروز نامه مردم به چاپ می‌رسانیم. شایان ذکر است که با اینکه ما بصحت تمام مطالب مندرج در این مقاله اعتقاد داریم، ولی پس از نگارش این مقاله، برخی از مطالب آن - برای اینکه نامه مردم باز هم با سروشت اخیر خودویز و نشود حذف شده است.

نامه «مردم» نزد مردم

از سرآغاز مهرماه تا امروز شما خواننده وفادار، نامه مردم را در کیوسکها و نرد روزنامه‌فروشها یافتید. ما از همه شما، که نسبت پرشیا و تکرانها و سنی همبستگی غیق خود را با ارگان مرکزی حزب توده ایران ابراز داشتید، صمیمانه سپاسگزاریم و از اینکه در این ۱۶ روز توانستید روزنامه خود را بدست آورید، بنویس خوب متاسفیم.

تصمیم به متوقف‌الانتشار بودن نامه مردم، تا اطلاع ثانوی، پس از ظهر ۲۹ مهرماه به اطلاع شد و تصمیم مربوط به باطل‌انبار بودن انتشار مجدد نامه مردم ظهر ۱۳ آبان به رسید.

تصمیم نخست، که بدون فکر هیچگونه دلیل و علتی ابلاغ شده بود، با هیچیک از موازین قانونی و مقررات مسوبه نهادهای انقلابی و پوزیتمها مفاد قانون مطبوعات، مسوبه شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، قابل تطبیق و زیننده حکومت مبین انقلابی ما نبود، زیرا همه میدانند که مقالات و تفسیرهای نامه مردم، کاملاً منطبق با مصالح جامعه‌ما و منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، همه میدانند که نوشته‌ها و مطالب نامه مردم، طبق مفاد قوانین و مقررات موجود است، که ما همواره احترام به آنها را وظیفه خود دانسته‌ایم و آنها را رعایت کرده‌ایم.

تصمیم دوم با روح انقلاب ما و با وظایف مبرم‌خطرگری که در این لحظات حساس متوجه همه مقامات مسئول و متعهد است، مطابقت دارد و شایسته نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران است.

در روزهای سرپوشش‌سازی که جمهوری اسلامی ایران ازس میگرداند و در شرایط بسیار حساسی که انقلاب بزرگ ما در آن قرار دارد، همانطور که تصمیم نخست باعث نجات حیرت و تاسف همه ما شده بود بدون تردید تصمیم دوم موجب شادی و امیدواری همگان خواهد شد.

بقیه در صفحه ۹

امام خمینی: این (فتح لانه جاسوسی) یک جنبه سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی پیش او کوچکند

● ما منزوی نیستیم. شما خیال می‌کنید منزوی هستیم. منزوی به آن معنایی که شما می‌خواهید نباشیم، این معنایش این است که وابسته باشیم، تا آخر غلام حلقه پگوش باشیم.

● باتمام قدرت، ۲۰ سال هم این جنگ طول بکشد، ما ایستاده‌ایم.

صفحه ۲

۱۳ آبان یک روز بزرگ تاریخی

در تاریخ مبارزات انقلابی خلق روزهای وجود دارد که در آنرا زندگی و در آنرا زندگی از این روزها در تاریخ چنین ضدامپریالیستی و خلق مردم مبارز کشور ماست. در ۱۳ آبان ۱۳۵۹ رژیم مغفوری پهلوی دستش نشاند امپریالیسم آمریکا، امام خمینی را بشناخته جسم اعتراض، مبارزه و مقاومت مردم ایران علیه استعمار و کاپیتولاسیون‌طابوت نوکر استعمار، از کشور تبعید کرد و خیال کرد که با این عمل بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۲
چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۹، مطابق با ۲۶ دیجده، ۱۴۰۰، بها: ۱۵ ریال

شعار تظاهرات میلیونی خلق در ۱۳ آبان:

ای ملت ایران، برپا، برپا، برپا با مسلسل‌ها، سوی آمریکا

● حجت‌الاسلام خوئینی‌ها: بدانید، بدانید، بدانید که آمریکا دشمن اصلی ماست. آمریکا دشمن شماره یک ماست، نباید، آرزو که شمار آمریکا، بر آمریکا، از زبان ما بیفتد، نکند با شعار دیگر، جای شعار مردم آمریکا را پر کنند.

● تا ایران هست و تا اسلام هست و تا آمریکای جهانخواهر هست، باز هم برای همیشه آمریکا دشمن ماست، تمام فنکها باید به سمت آمریکا نشانه برود.

● نخست‌وزیر: آمریکا دشمن قطعی این انقلاب ماست و دست از سر ما بر نخواهد داشت. اگر خود آمریکا هم مستقیماً با ما رودر رو شود، ایران را غورستان مزدوران و خودش خواهیم کرد.



موجی از دریای توفان خلق. اینجا داخل لانه جاسوسی است. بچه‌های باغچه‌آباد رنگان را مهار زده‌اند و می‌آورند.

جنگ تا پایان تجاوز

«ما برنده جنگ هستیم. ما از نظر ما جنگ یک سروشت بیشتر ندارد و آن بیروزی است. رئیس جمهور»

«تا زمانی که عراق دست از تجاوز خود برنداشته ما با آن حرفی نداریم. حجت‌الاسلام رفسنجانی»

«تا تمام تجاوز جنگ ادامه خواهد داشت. محمدعلی رجایی نخست‌وزیر»

جنگ تا پایان تجاوز، یک خلق زنده که به شرق و حیثیت انسانی خود پاینده است، جز این چه شماری میتواند داشته باشد؟ تسلیم در برابر تجاوز در شان ملت انقلابی ما نیست. ما جنگ را تا اتمام تجاوز ادامه خواهیم داد. اتمام تجاوز یعنی بیروزی ما و شکست داروسته حاکم صدام است.

جنگ ادامه سیاست خارجی از راه زور است و سیاست خارجی تابعی از سیاست داخلی است. تجاوز حکومت پشی عراق به مبین انقلابی ما چیزی از تجاوز داروسته صدام به حقوق فردی و اجتماعی خلق برادر عراق است. داروسته صدام، که به نفس خاسی از تو کینه‌های آتشی کرده از پول نفت متکی است، از همان هنگام که بقیه در صفحه ۴

اتحاد انقلابی خلقهای ایران و عراق بر ضد امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام

مرور می‌کند. هزاران بلاکارد بر آسمان موج میخورد و آفتاب‌بازی بر کلمات سبز «مرگ بر امپریالیسم خونخوار آمریکا» می‌گذرد و برچهره‌های آفریخته از خشم توده‌ها بیروزی خلق قهرمان ایران را نقش می‌زند. زیر ضربکوب میلیونی پاهای تاریخ ورق میخورد.

ای ملت ایران برپا برپا با مسلسل‌ها سوی آمریکا این سرود زرم مردم ایران است که میلیونها دهان آنرا میخوانند. صفوف خلق، مسلسل‌ها بردوش، می‌آید و فریاد همگ بر آمریکا از گودهای جنوب تهران، از خانه‌های کزگران، از مزارع برنج، از کدرخانه‌ها برمی‌خیزد، در خیابان‌ها تاب میخورد و در لانه جاسوسی

بقیه در صفحه ۱۱

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جنگ تا پایان تجاوز...

بقیه از صفحه ۱

وزیانه، با یک کودتای شبه درباری، بحکومت رسید، تمام امکانات دولت عراق را در جهت ندادن دارک ماجراجوییهای نظامی، که از بیماری برقری ملی ناسیونالیستی آن سرچشمه میگرفت، بسیج کرد و اینک مبنی انقلابی ما را با همه این امکانات، و با دستگیری و پشتیبانی آمریکا، منظور سرخوش انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران، آماج تجاوز و حشیانه خویش قرار داده است.

حمله ناچوآمدانه رژیم صدام، بر جمهوری نوپای ما، که پیکته امام خمینی: «به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالف بوده و میل دارد که گین همه کشورها آرامش و صلح پاینده، تاکنون خیارات مادی و انسانی فراوانی برای ما ببار آورده است. اعمال حکومت صدام در ادامه تجاوز به ایران و قطع رابطه با شوروی و لیبی و کردستانیک نشان میدهد که گفتگوهای درباره آتشبس جز پرده استواری برای ادامه جنگ نیست. ما جنگی طولانی در پیش داریم و چنانکه جهت اسلام انقلابی و رهنمایی رئیس مجلس شورای اسلامی گفته اند، خود را نیز باید آماده یک جنگ طولانی کرد. جنگی که از نظر ما جز یک سروش بیشتر نمیتواند داشته باشد و آن مبارزه تا پایان دادن به تجاوز است. تجاوزی که بسود امپریالیسم آمریکا و بیست صدام انجام میگردد.

بیروزی در این جنگی که بما تحمیل شده، مستلزم استقامت، مقاومت، صبر و پایداری است. دشمن باید یقین کند که فرد فرد مردم ایران آماده اند که از تمام نیازهای ضروری خود بخاطر بیروزی در جنگ صرف نظر کنند، اما حاضر نیستند بکوشش در جهت فراهم کردن مقدمات دشمن تن دردهند، زیرا قبول یک تحمیل کوچک، اشتباهی غاصبانه داروسته صدام را به تحمیل شرایط سنگین تر بر ما انگیزد. نباید فراموش کرد که داروسته شرافت صدام هدفی جز تهمیت ایران انقلابی ندارد، بعدی که دیگر جاذبه معنوی در منطقه نداشته باشد، و همین هدف است که حکومت صدام را به متحد پلایزش امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده است. آنچه موی بر اندام امپریالیسم آمریکا و صدام خونخوار راست کرده است، ترس از همین نفوذ معنوی انقلاب ایران در سایر کشورهای منتخب منطقه است. ترس از چنین سربروشی تمام رژیمهای مرتجع منطقه را زیر چتر امپریالیسم آمریکا در جبهه واحدی بر ضد انقلاب ایران متحد ساخته است.

دشمن از امکانات مادی فراوانی برخوردار است. چشم را بر این حقیقت نمیتوان بست، اما بقول حجت الاسلام خاشمی رفسنجانی: «نه ما از ویتام کمتری و نه آمریکا از آن توان قویتری است». پایداری ما، فداکاری و استقامت ما برترید بر نیروی جوشی دشمن بیروز خواهد شد. ما باید تمام زندگی خودمان را با شرایط زمان جنگ تطبیق دهیم. بیشتر کار کنیم، کمتر مصرف کنیم. تنها با فداکاری در جبهه نمیتوان دشمن را، که از پشتیبانی تمام نیروهای امری امپریالیستی برخوردار است، بزانو درآورد. باید در پشت جبهه هر نفر بجای دو نفر کار کند. برنامه همه جانبه ای برای تکمیل امکانات مادی دفاع، هم از نظر نظامی و هم از لحاظ اقتصادی، آماده کرد. تشکیل شورای عالی دفاع کشور، که طبق فرمان امام خمینی، کلیه امور اقتصادی، سیاسی و نظامی مربوط به جنگ باید زیر نظر آن انجام گیرد، گام مهمی در پیشبرد تمام این اقدامات طبق برنامه واحد است.

مردم ما نشان دادند که آماده اند در راه آرمانهای بزرگ انقلابی و مبنی آزاد خویش به بزرگترین محرومیتها و دیوارها تن در دهند. و این مردم بیروزی ما بر دشمن است. باید این نیروی عظیم مقاومت و جانیازی را در راه هدف واحد بیروزی بر تجاوز سازمان داد.

بیروزی ما در این ترس و آوار کردن دشمن به قطع تجاوز تنها بیروزی ایران نیست. شکست تجاوز داروسته جانتیکلا صدام شکست ضدانقلاب در منطقه و جهان است. انقلاب ایران بدون قطع این تجاوز نمیتواند اصالت خونین خصلت ضدامپریالیستی و خلقی خویش را نگاه دارد. منظور از این تجاوز نیز که داروسته صدام، به نمایندگی از ضد انقلاب منطقه و جهان بر جمهوری اسلامی ایران نموده است، محو کردن همین خصلت ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب از طریق براندازی نظام جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی و یا لاقول تهمیت آن پدیده ای است که نتواند تاثیر قابل ملاحظه ای در خلقهای سایر منطقه بجای بگذارد. ایستد که نتایج جنگ ایران و عراق از چارچوب روابط دو کشور فراتر نهد و در سربروش منطقه متبادد تاثیر بزرگی بنماید.

در تاریخ درونمان دیده میشود که مقاومت، فداکاری و پایداری یک خلق میتواند در سربروش خلقهای همسایه و حتی سراسر جهان نقش موقی داشته باشد. این نقش تاریخی را ما در مقاومت دلیرانه خلق شوروی در جنگ دوم جهانی بر ضد فاشیسم، در مقاومت خلق ویتنام بر ضد امپریالیسم آمریکا بروشنی مشاهده میکنیم. اکنون این رسالت بزرگ را با تاریخ به محول کرده است. خلق ما با ایستادگی قهرمانانه در برابر داروسته صدام، برگ زرینی در تاریخ خلقهای این منطقه خواهد نوشت، بوزم امپریالیسم جهانخوار آمریکا را بخاک خواهد مالید و بنام ملت های مستعبد شده نشان خواهد داد که امپریالیسم محض آمریکا ناتوان از آنست که سربروش خلق را تعیین کند. عظمت این هدف والا، الهام بخش مبارزه خونین خلق قهرمان ما با غارتگران امپریالیست، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. سرنگونی شاه ملوم خستین گام در اجرای این هدف مقدس بود. اینک پس از شاه نویت امپریالیسم آمریکا و صدامخاتر، مرغ دست آموز آنست.

۱۳ آبان...

بقیه از صفحه ۱

تکر آزادی و استقلال قیام و انقلاب را از ایران تمیید کرده است. ولی حساب رژیم پهلوی مانند همه حساب های و حساب همه مرتجعان و مین فروشان جهان، غلط از آب درآمد. امام خمینی، استوار و قاطع و آشتی ناپذیر به مبارزه عادلانه خود در تمیید نیز ادامه داد. خلق مبارز ما تحمل اسارت و بردگی را نکرد و حتی یکرور سلاح نبرد را بر زمین نگذاشت. خلق قهرمان ما میدانهای همسایه آفرین نبرد علیه امپریالیسم رژیم ضد خلقی مستعبدانه ویرا یکی پس از دیگری طی کرد و ۱۳ آبان دیکی ۱۳۰۷ روز کشتار دانش آموزان و دانش جوانان مبارز و قهرمان - یکی دیگر از میدانهای پسرانخدا تاریخ انقلاب ایران بود.

تاریخ ایران، علیرغم مقاومت اذتیاج داخلی و جهانی، بازم برتره به پیش رفت. و فقط در آن ستمی رفت که تاریخ همه جهان در همه قرون و اعصار رفته است. یعنی پسوی رهائی انسان از بند اسارت و بردگی. انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی، رژیم مستعبدانه آمریکا را با تمام تسلیحات و ثروت و بیوندی/جیاسی و منطقه ای با تمام اسلحه و مستشار آمریکایی و اسرائیلی انگلیسی و آلمانی درهم گوید.

ولی نبرد باز هم بی پایان نرسید. سیادت دوست ساله استعمار و امپریالیسم و بوزم سلطنتی ساله امپریالیسم آمریکا بر ایران، در کشور آنچنان وضعی آفریده و پسری رژیم جمهوری اسلامی ایران به ارت گذاشته بود که تنها با سرنگونی سلطنت و ایجاد جمهوری قابل علاج نبوده و نیست. استعمار و امپریالیسم بوسیله رژیم مستعبد نشانده و ماهوران آشکار رنهان و سازمانها و نهادهای رژیم مغفور شاهنشاهی و مسمی از همه به وسیله طبقات طاغوتی و وابستگی آفرین ایران- یعنی سرانهداری کلان و بزرگسالگی سد کشور ما آنچنان غارتگری و تله و دام پیچیده ای آفریدند که برای رهائی کامل از آنها چشم برور، آوارگ روشن، قلب آفتاب و سری و بیادک لازم بود.

تاریخ مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران گشودند. عمل دانشجویان مسلمان بیروز خط امام - به این روزندگان دلیر و انقلابی مبین، که علیرغم حملات مکرر ضدانقلابی و سازشکاران لیبرالها و عمال آمریکا، یک سال تمام است که به مظهر نبرد آشتی ناپذیر مردم ایران علیه امپریالیسم بر سرکردگی آمریکا بدل شده اند - مورد تایید بی پایان نیلونها و میلیونها نفر مردم کشور ما، همه احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی قرار گرفت. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، اقدام سردانه دانشجویان مسلمان بیروز خط امام را از آغاز انقلاب بزرگتر از انقلاب اول اعلام کردند و این جوانان قهرمان را ستودند و عمل عمیقاً عادلانه و انقلابی آنها را مورد هرگونه تایید قرار دادند. اکنون از تمیید امام خمینی و کشتار دانش آموزان و اشغال لایه جاسوسی آمریکا مدتزمانی متفاوت میگذرد. مردم ایران این زویدادهای بزرگ تاریخی را گرامی میدارند و همیشه در تاریخ خود آنها را با خطوط زرین خواهند نوشت.

با وجود فاصله زمانی میان سه ۱۳ آبان و تفاوتی که میان شکل ظاهری آنها هست، ولی یک جهت اصلی - محتوای هر سه آنها - آنها را بهم پیوند میدهد. در واقع هر سه ۱۳ آبانهای تاریخی، اجزای لاینچیزی از تاریخ در افتخارده که آتم تاریخ مبارزه مردم ایران در راه استقلال، آزادی، عدالت و ترقی است.

امام خمینی را بملت اعتراضی و مبارزه و مقاومت علیه رژیم طاغوت، و بطور مشخص بنگاه امپریالیسم علیه استقرار مجدد رژیم کابینتولسونیست حکومت مغفور پهلوی و بسود آمریکا، بازداشت و از ایران تمیید کردند.

دانش آموزان مبارز را بملت اعتراضی و مبارزه و مقاومت علیه رژیم مستعبدانه آمریکا، که کشور را در نوستمعه و تیول دوزار فایر، مغفور طاغوتی همست امپریالیسم آمریکا در غارت ایران تبدیل و به پند و زنجیر کشیده بود، بگلوله بستند و قتلعام کردند.

مردم قهرمانان ایران هرگز فداکاریهای رنهان خود را فراموش نخواهند کرد. امام خمینی فرزند بیرونه خلق ما در قبال تحمل رنجهای دوران محسوس بی توطنه امپریالیسم بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آماده خواهد داشت، و لذا نیز خلق خود را با خود آورده و در راه حق خود قیام کرده است. این خلق بیخاسته از ما نخواهد نشست و برای رسیدن به هدف

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سالگرد ۱۳ آبان، روز فتح لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان مسلمان بیروز خط امام را که با عمل انقلابی خود شریکهای مبارک طرحهای شوم امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن علیه انقلاب ایران، وارد کردند، بیخود پذیرفتند. امام خمینی در این ملاقات سخنانی خطاب به دانشجویان آیزاد کردند: «از جمله در مورد اهمیت وظیفه این اقدام انقلابی دانشجویان گفتند:

«... و این یک جنبه سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی داشت که همه ارزشها پیش از کوچکند. اینها یک خیال می کنند که بواسطه اعمال آنها ما در تکنا واقع شدیم، اشتباه می کنند، درین حالی که سوه نیت ندارند. البته یکسسته های هستند که شما را هم آنزیکالی می دانند، پاسندهای ما را هم می گویند مرتجع اند. امریکایی اند، اینها این دسته ها بیچاره اند، بدبختند، اینها - و اعمال بعضی از اشخاصی که خوب دلوزم هم هستند برای کشور ما و برای کشور خودشان و مخالف هم هستند با همه ارگانهای خارجی و احباب لکن - آنها به تحت تاثیر همان تبلیغات واقع شدند و گمان می کردند که اگر چنانچه بزودی فوراً ما تقدیم کنیم این جاسوسها را به آمریکا و با مغفورهای ما، چنانچه چها و چه حوسه شد، ارزش این عمل این است که این اشتباهات را رفع کرد. شما الان یکسال است که این جاسوسها را، این توطنه گرها را، این مچرها را - در آنها حبس کردید و خبری هم ندادید.

امام خمینی در مورد دانشجویان مبارزی که این اقدام بطیورا انجام دادند گفتند: «این جوانهای عزیز ما رفتند و البته رنج کشیدند و زحمت کشیدند... و آنها را گرفتند. آنها (امریکاییها) هم حرف زدند و چه کردند، خوب حصر اقتصادی کردند، چه کردند، لکن ملت سر جای خودش ایستاده و هیچ نقصی در خودش نمی بیند. ده سال دیگر هم که باشد، همین است. عده ارزش این عملها این است که از ذهن توده های ضعیف مردم در سراسر دنیا، مستضعفین جهان در سر - ناسر از ذهن آنها این رعبها را خارج میکنند. به خود بیایند الان هم آمده اند می گویند ما ما در انزوا هستیم، انوقت که در انزوا نبودیم، چه بودیم»

امام خمینی در مورد تبلیغات امپریالیستی و عوامل امپریالیسم یا کسانی که بدام این تبلیغات آمده اند و از قدر قدرتی امپریالیسم سخن میگویند، گفتند:

«همه چیز را ما میتوانیم پیش ببریم. هیچ خوف از این مسائل نداریم. اینها که ایجاد خوف می خواهند بکنند در شاهانهائی هستند که در زمان شاه متخلف هم آید، خوف کرده بودند و آن بواسطه همان ایجاد خوف سر جای خودش ناست بود و به خیال خودش سلطنت میکرد و وقتی این خوف شکسته شد، دیدیم که توطنی بوده امام خمینی در مورد نظریه کسانی که ایران را «منزوی» می خوانند، سخن گفتند و ثابت کردند که آنهاییکه ایران را «منزوی» می نامند، در واقع خواهان وابستگی آن به امپریالیسم هستند. امام خمینی از جمله گفتند:

«ما منزوی نیستیم. شما خیال می کنید منزوی هستیم. منزوی به آن معنایی که شما می خواهید باشیم، این معنایی این است که وابسته باشیم تا آخر غلام حلقه گوش باشیم»

امام خمینی در پایان بر مبارزه برامان و پیگیر مردم انقلابی ایران با دشمنان انقلاب ایران تاکید کردند و در مورد حسین و تجاوز خائنه او گفتند:

«ملت ما بنده، ۳۰ سال، جوانهای ما تا چشمشان را باز کردند زیر یوغ جوانی و این مصائب بودند، عادت داریم ما بوزحمت کشیدن، جوانهای ما عادت دارند به این زحمتها، حالا که خودشان را یافتند مشکل میدانند با تمام قدرت ۳۰ سال هم این جنگ طول بکشد ما ایستاده ایم در صورتیکه این بوسیله است»

راه، همه روزندگان انقلابی و ضدامپریالیست و خادمان صدیق کوخشنیان از جمله دانشجویان مسلمان بیروز خط امام موراحترام خلق هستند. یک رفته منطقی همه ۱۳ آبانهای تاریخی را بهم پیوند میدهد، که آتم منطقی مبارزه علیه امپریالیسم بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه آزادی و استقلال و آزادی ایران و سعادت و سربلندی مردم ایران بوده و هست. باید دانست، و همه مبارزان آگاه میدانند، که این رشته در اینجا قطع نمیشود، زیرا که توطنه امپریالیسم بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آماده خواهد داشت، و لذا نیز خلق خود را با خود آورده و در راه حق خود قیام کرده است. این خلق بیخاسته از ما نخواهد نشست و برای رسیدن به هدف

توده ایها درس اسرا ایران آماده جانبازی در راه دفاع از میهن انقلابی اند

بدسال هر او ان گمته مرکزی حزب توده ایران و اعلام آبادگی سازمان های حزبی در سرسبز کور برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، که دست حناکار آن، این بار از آستین صدام حسین بیرون آمده است، اعضا و هواداران حزب توده ایران در آذربایجان، تانکستان، قزوین، بندر لنگه، خراسان و همچنین سازمان حزب توده ایران در بریتانیا نیز، آمادگی خود را برای دفاع از میهن انقلابی اعلام کردند.

آذربایجان

در اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان آمده است: هموطنان آگاه و مبارز! مردم غیور آذربایجان!

با تجاوز بی شرمانه هوایی، زمینی، دریایی رژیم مزدور و مغرور بعثی عراق به میهن عزیزان ایران، که در چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد، خلفای قهرمان ایران امروز با یکی از لحظه های سرنوشت ساز تاریخ خود روبرو هستند. ما با دشمنانی روبرو هستیم که می خواهند انقلاب شکوهمند ما را در هم شکنند و مجدداً، بوغ اسارت امپریالیسم جهان - خوار مبرکردگی امپریالیسم آمریکا، را بر ما تحمیل نمایند.

اکنون که میهن عزیز و انقلاب شکوهمندمان و جمهوری اسلامی ایران این چنین در معرض تجاوز بی شرمه و توطئه های مهلک امپریالیستی قرار دارد، بر ما است که از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود، از استقلال، آزادی و تمامیت ارضی میهن عزیزمان با تمام نیرو و توان خویش دلیرانه دفاع کنیم و در جرات و باستادگی انقلاب و دستاوردهای آن کوشا باشیم.

باید به جایگاه شان در هم که خلق دلیر آذربایجان، دواندوش تمام خلق های ایران که کمونترین، مقتدرترین و تجاوزترین رژیم مطلقه، رژیم سگ و وابسته تانکسانهای راسگن است. امروز و شبانه شبانه آذربایجان را محاصره و فاطمه از انقلاب خود دفاع کنند و با سیخ سدان ننگی به محاصره گریها و توطئه چینی های امپریالیست و دست اندکانش بدهند.

در لحظاتی که مزدوران عینی عراق تانکسان اقتصادی و مافیای مکتوبی کشور ما را در استعمار می کنند، در مقابل تمام سربوهای سربو میهن دوست کشور ما و طبیعت مقدس تر از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی قرار ندارند. ما به

این وطن مرم خود به خوبی واقف هستیم. بر واضح است که انجام این توطئه جز از راه همکاری تمام نیروهای انقلابی و در رأس آنها سربوهای برخاسته از انقلاب منتر نیست. از این رو است که فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، با درک مسئولیت خطیر خود در لحظاتی که میهن دوست کزیم توده ایران عزیزان، کلیه هموطنان عور و میهن دوست، و در پیشتان آنان همه نیروهای انقلابی وضد امپریالیست، را فرا می خواند که چون تنی واحد در صفوف هم فشرده و ناگسستی برای روح شکنند، هرگونه توطئه داخلی و خارجی و سربو هر چه زودتر سربو رانند تجاوزین عینی عراق از خاک کورمان با تمام نیرو و توان به مبارزه برخیزند.

حسبه متحد خلق قاضی پیروزی انقلاب و عامل تکست دشمنان ما است. هموطنان تورا!

ما بار دیگر رهسودمانی را که در اعلامیه کسمرکزی حزب توده ایران بتاريخ ۳۱ شهریور ۵۹ اعضا و هواداران و دوستان حزب توده

شده است، مورد تأکید قرار می دهیم و از اعضا و هواداران و دوستان حزب، در هر کجای آذربایجان که باشد می خواهیم که:

۱- در اولین فرصت، در هر کجا که هستند، خود را به نهادهای انقلابی، بویژه به سپاه پاسداران و ارتش ۲۰ میلیونی و کشته ها هرنی کنند، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی اعلام دارند و در چارچوب وظایف دفاعی و نظامی ای که مسئولین نهادهای انقلابی فوق تعیین میکنند، در اجرای مأموریت های محوله بکوشند.

۲- عوامل ضد انقلاب را شناسایی و به نهادهای انقلابی و مقامات مسئول اطلاع دهند.

۳- حوادث را با هویتبازی انقلابی دنبال کنند و برای خفه کردن هوا اقدام ضد انقلابی در منطقه، با سپاه پاسداران و کمیته ها و سایر نهادهای انقلابی همکاری کنند.

۴- در محیط زندگی و محیط کار خود، فعالانه مردم را تشویق به شرکت در سازمان های بسیج و ایجاد کمیته های مقاومت محلی کنند و بکوشند آنان را برای مقابله با حوادث احتمالی آماده کنند.

۵- دختران و زنان علاوه بر آموزش نظامی و شرکت در حسبه جنگ، در اسرع وقت مواظبت از بیماریان، پانسمان، تزویج و کیک های اولیه را بیاموزند.

۶- در شرایط حساس بسیاری مردم بنشاندند آنان را در مقابل حوادث احتمالی و تأمین آذوقه باری رسانند.

۷- اعضا و هواداران حزب، موظفند از هر ابتکاری به منظور بالا بردن آمادگی دفاعی مردم، در همکاری با نهادهای انقلابی و اتحاد با دیگر سربو ها، بهره جویند.

۸- با تأیید سازی و تبلیغات ضد انقلاب، که به منظور ایجاد جو شمع انجام می گیرد، مبارزه کنید و در حفظ خوسردی انقلابی اهالی بکوشند.

خراسان

در نامه حزب توده ایران - سازمان آبی لنتی خراسان خطا سپه سپاه پاسداران این منطقه از جمله می خوانیم: در شرایط حساس و سرنوشت ساز زکونسی که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، در خراسان - سرسبز و توطئه براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از طریق تجاوز و نظامی رژیم مزدور بعثی عراق با جرات گداخته است، لزوم بسیج یکجا رجه خلق اتحاد و یگانگی همه نیروهای انقلابی بسر محور رهبری امام خمینی پیش از پیش احساس می شود. ما ایمان داریم کسه خلق رزمنده و انقلابی مانکه در سنگر های

خیابانی، در زیر حصار تانکها و قتل مسلح عام ها، در بنا هرات میلیونی، آرا راه مصمم و دلدادین خویش را در قلم سلطه امپریالیسم و ساودی نوگران داخلی آنها، تا سبیل به پیروزی قطعی ونهائی بخوبی نشان داده است، این بار هم چون تنی واحد و دونا پای جان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهد کرد و مقتضای محکم پیروزی نجا و زکسران بعثی عراق و امپریالیست های حامی آن خواهد بود. آنان را بر سر جای خسود خواهد گذاشتند.

در دنباله این نامه ضمن اشاره به فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

اعضا و هواداران و دوستان حزب توده ایران در خراسان آماده اند تا در چارچوب وظایف که فرمان شده سپاه پاسداران مشخص کنند، همکاری کنند و هر ما موریست های در این زمینه به آنها واگذار شود، با طمانه انجام دهند.

توده ایها در سر اسرا ایران وار جمله خراسان آماده جانسیکازی و فداکاری در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند.

زیر بایان این نامه می خوانیم: امروز انقلاب و میهن از فرزندان خویشتن و فداکاری و جاسازی توده ایها می طلبد، همسنگی، هویتبازی و آمادگی رژیم میخواند، بکوشیم تا با بسیج خلق، با ایران را به گورستان ضد انقلاب و امپریالیست تبدیل کنیم. همه ما هم برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به منظور در هم شکستن تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق و توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا و تحسنت رهبری امام خمینی متحد شویم.

قزوین

در نامه ای که به همین مناسبت از طرف سازمان حزب توده ایران در قزوین به سپاه پاسداران این شهر نوشته شده، آمده است: "انقلاب ایران از هر سو مورد تجاوز امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و کشورهای مزدور منطقه قرار گرفته است، جمهوری اسلامی نوپای ایران لحظاتی حساس و دشواری را می گذراند، کوچه و خیابان های میهن عزیزمان به سنگرهای استواری علیه تجاوزین بعثی عراق مبدل شده است، در چنین شرایطی وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با تمام امکانات خویش به کمک تمام رزمندگان و استقلال و رهایی میهن از یوغ امپریالیسم بشتابند.

سازمان حزب توده ایران در قزوین به پیروزی از شی اصولی حزب توده ایران و پندسای رهبر انقلاب امام خمینی، ضمن اعلام آمادگی جهت اعزام اعضای خود به جبهه جنگ، تلاش خویش را جهت تدارک نیازهای جبهه به کار گرفته است و به عنوان اولین گام، تعداد ده تخته بتو و مقداری دارو و لباس را جهت ارسال به نقاط جنگ رده تقدیم می دارد.

لازم به توضیح است که آمادگی و کمک سازمان حزب توده ایران در قزوین منور استنبال و قبول سپاه پاسداران این شهر قرار گرفته است.

تاکستان

اعضا و هواداران حزب توده ایران در تاکستان

نیز با صدور اعلامیه ای آمادگی خود را برای دفاع از میهن و انقلاب ضد امپریالیستی و سربو ایران اعلام کردند. در این اعلامیه ضمن تأکید بر اینکه "تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق علیه میهن و انقلاب چیزی جز پیشی از توطئه های شیطان بزرگ آمریکا نیست"، از سربوهای انقلابی دعوت شده است که برای مبارزه با دشمن مشترک در جبهه متحد خلق گرد آیند و متحدان بردشمن متجاوز حمله برند.

بندر لنگه

سازمان حزب توده ایران در بندر لنگه نیز با ارسال نامه ای به سپاه پاسداران مستقر در بندر لنگه، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد. در این نامه تأکید شده است که اعضا و هواداران حزب توده ایران در بندر لنگه آماده اند تا در چارچوب وظایف که فرمان شده سپاه پاسداران مشخص کنند، همکاری کنند و هر ما موریست های در این زمینه به آنها واگذار شود، با طمانه انجام دهند.

در این نامه همچنین از سپاه پاسداران بندر لنگه خواسته شده است تا ترتیبات آموزش نظامی اهالی بخش بسک و روستای "جناح" سز فراهم شود.

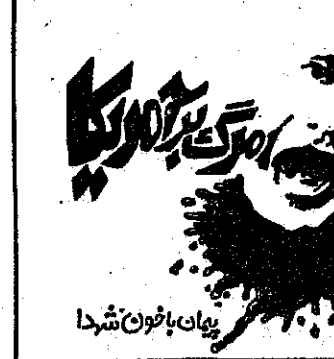
سازمان حزب توده ایران در انگلیس

در اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بریتانیا نیز، که به همین مناسبت صادر شده، ضمن تأکید بر اینکه "امپریالیسم آمریکا و متحدانش بعد از آن که از شکست انقلاب پیروز شدند ایران به طرق مختلف مایوس شدند، دست به تدارک توطئه های از طریق مهرها و دست نشاندهان خود در خاور میانه شده اند" آمده است:

"امپریالیسم آمریکا و متحدانش این بار عراق و سایر ارتجاعی دیگر منطقه را مایور اجرای نقشه های شوم خود علیه انقلاب بزرگ ایران می دانند. در این نقشه شوم که دست تجاوزکار آمریکا از آسین پلید صدام حسین به عنوان منبسط است، رژیم عینی عراق را مایور است حاکم وطن ما آغاز کرده است که حملات است بوشنی، و فقط به قصد اجراء و به مجرم رساندن کودتای ضد انقلابی و بازماندگان رژیم سابق و مزدوران فراری امپریالیسم صورت می گیرد. این مزدوران که مدت ها است زیر نظر مستقیم سپاه سازمان های جاسوسی دول امپریالیستی و صهیونیست ها در مسالیک اروپای غربی و مصر و عراق و عمان نسبت و مجبور شده اند، در خاک عراق آماده حمله به ایران هستند، تا به اجرای کودتای آمریکایی خود علیه انقلاب ایران دست بزنند. لازمه این کار تجاوز و حملات است بوشنی، تا از یک طرف توجه نیروهای انقلابی و مسلح ایران را متوجه مقابله با ارتش تجاوزکار عراق کند و از طرف دیگر هتین نیروها را در مقابل حمله کودتاجان و مزدوران امپریالیسم تضعیف کند و بدین وسیله باین تدارک فرستاده و فرجام رساندن کودتا را بدهد."

در دنباله این اعلامیه، ضمن محکوم کردن تجاوز نظامی رژیم صدام حسین، آمادگی سازمان حزب توده ایران در بریتانیا و کلیه سازمان های وابسته به آن در راه اعزام و به شهر رساندن انقلاب بزرگ ایران و برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران اعلام شده است. در پایان اعلامیه می خوانیم:

در این شرایط بسیار حساس از کلیه هموطنان و انقلابیون صادق دعوت می کنیم که به دور از هرگونه تعصب و بیشداوری، دست اتحاد و یگانگی بهم بدهند، تا در مقابل دشمن متحد و خونخوار خود در یک صف قرار دهیم و رهبری امام خمینی وطیبه انقلابی خود را سخنده ایما کنیم.



کارگران و کارکنان شرکت مرغ کدخدای آماده مبارزه با آمریکا رژیم جنایتکار صدام هستند

اما م خمینی جان ناقابل خود را در راه اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران ایثار نمایند، و دوش به دوش دیگر برادران مسان از سنگرهای جنوب و غرب کشور با دشمنان اسلام و وحیان مستعفی صدام حسین و آمریکا جنایتکار به مبارزه بپردازند. در ضمن معادل یک روز حقوق کلیه پرسنل این شرکت به حساب شماره ۵۸۸۴ واریز، تا بتوانند با شمع دین خود را به برادران دلاور و مبارز جنوب و غرب کشور ادا نموده، تا به اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران نائل گردیم. در پایان برای کلیه اقشار مختلف مردم، نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و دیگر نیروها آرزوی موفقیت و سلامتی آنها را از درگاه خداوند بزرگ مسألت دارد."

کارگران و کارکنان شرکت مرغ کدخدای آماده مبارزه با آمریکا رژیم جنایتکار صدام هستند. کارگران و کارکنان شرکت مرغ کدخدای آمادگی خود را جهت دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام حسین اعلام دادند. متنی از اعلامیه به شرح زیر است:

منشور پارلمان جهانی ملتها برای صلح

سر برقرار گردد. دولتهای آشفته کشته شده سباهی هلسینکی، که در مقامات ما در دست شرکت خواهند حست. مسئولیت بزرگی برعهده دارند: آنان با بی‌ظنی روح سد نامرئیه کار کنند و در سبب به هدهدهای آن سبب منیتی ادا می‌نمایند. احد محسم سخن برای دعوت کنفرانسی دربار صلح زوایی نظامی و صلح راه در اروپا کار است که از اهمیت درجه یک برخوردار خواهد بود.

۲- حق صلح، برای همه ملت‌ها، به معنای حق استقلال ملی و رشد آزاد و مسالمت آمیز است

ملت‌ها صلحی عادلانه و در برابر طلب می‌کنند، کسی نتواند حق کامل‌شان را برای استناب راه‌اندازه و رشد خوش و استقرار یک نظام اساسی و اجتماعی مطابق با آرزوهایشان تا همین کند. تلاش برای محروم ساختن ملت‌ها از این حق یا محدود کردن آن، سیاستی است امپریالیستی و در جهت خلاف مسیر: نسبی بیشتر است، چنین سیاستی اساساً ارتجاعی است.

همه ملت‌های جهان باید در زمینه رشد اقتصادی و اجتماعی از امکانات مساوی برخوردار باشند. حذف همه اشکال تبعیض، منظر مظاهر استعمار، همه‌دست و بند های ساختگی در راه بازگشتی جهانی، همه اشکال نابرابری و تحقیر و بهره‌کشی در ماسایات اقتصادی و هم چنین استقرار روابط صلح و عادلانه در برابر آرزوهای ملل، از حقوق اساسی نزع بشریت و شمار می‌رود. سیاست ایجاب عدم تبعیضات، که نسبت به رژیم‌های شرقی کشورهای در راه رشد اعمال می‌شود، یک تجاوز و تفریق است که در آن وسایل زوایشنا سانه و اقتصادی و سیاسی و غیر آن، از جمله دخالت نظامی، با کار گرفته می‌شود. چنین سیاستی تجاوز و بی‌حق طلب است.

گام‌های مثبتی در جهت رسیدن برای امنیت و آزادی و استقلال ملت‌های مناطق مختلف جهان است، و در عین حال، تصادف تازه‌ای را در این مناطق ملل‌ها باعث می‌شود، محیط بین‌المللی را در مضمون می‌سازد و تشنج‌زدایی را از بین می‌برد.

دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، با حق ملت‌ها به رشد مسالمت‌آمیز و آزاد مستقل، مغایرت دارد.

همه کشورهای در حقوق یک نظام تازه اقتصادی بین‌المللی به عمل آید. آن است که چنان که خلاصه فوق - آمده است از زمان میل متحد اخبار نشان داده است - قدرتهای امپریالیستی و شرقی، که جبهه‌های فزاینده از امتیازات خود در دست می‌کنند، تهدید و مداخلات و مداخلات آشکاری به سیاست‌های امپریالیستی برای تسلط بر جهان است. به همین سبب کشور چندین منطقه جهان "منطقه" منابع حیاتی از اعلام شده و نیروهای واکنش‌رغی تشکیل شده است. و این خود سبب صلح و استقلال ملی و آزادی ملتها را تهدید می‌کند.

۳- تشنج زدایی، دموکراسی، آزادی و پیشرفت اجتماعی

جنگ سرد، روبا روسی خصمانه، همسری جنگی سد راه پیشرفت اجتماعی است و اعمال کامل حقوق آزادی های اساسی انسان را مانع می‌شود. از این همه نیرو های ارتجاعی و تراجورگ، یعنی همان نیروهایی که سوت های کلان از تولید سلاح می‌پرند، اینها می‌تواند استفاده آفرینش مداوم و تجربه‌های نظامی و زنیانه و زشتگان است که تا همین می‌شود این امر آتش‌تومر در تیرتوسر می‌کنند، پرسشگری با رمالیت‌ها می‌فزاید و سببگاری را و غیره می‌گرداند. تجربه ثابت می‌کند که نظامی سسشن اقتصادی در جهت تشنج‌زدایی کار می‌فریند، بلکه برعکس از شمار ۹۰ مثال می‌کاهد و موجب قطع بخشی قابل ملاحظه از آرزوهای بهداشت و آموزش و فرهنگ و دیگر خدمات اجتماعی می‌گردد.

با بان دادن به کسب و کار ر جانیات بار تسلیس - روی آنگاه، پس از اشاره به ضروریات دیگری که انقلاب به امپریالیسم آمریکا وارد آورده و آنان را گنج کرده و بهرآنسانده و ضمن یادآوری قولنامه‌ی رنگارنگ امپریالیسم آمریکا برانگیزکت انقلاب ایران، از جمله کودتاها و جنگ تحمیلی عراق، گفت: «کودتاها آنچه نرفته به شکست منتهی‌شده‌اند، جنگ تحمیلی در حال شکست است و ملت ما منتظر شد و آنان هم بزرگترین افتخار را به نام او ثبت می‌کنند، به خاطر اینکه با همه مشکلات خودش، که بهاد انقلاب یکبارگی می‌باشد، ایستاد در مقابل آمریکا و یک تنه به آن انقلاب جنگ می‌دهد. انقلاب جنگی رسمی، مناجله‌ی دانشجویان-سلمان و وسط‌امام پس از آنان که هم از به اصلاح انزرای ایران می‌زنند، اشاره کرد و خطاب به آنان گفت: ای کسانی که در از انزوی ملت ایران می‌زنید، ای کسانی که منتقد ملت مبارز ما درین مقابله، متروی شده، شما با طرح این مسئله می‌خواهید چه نتیجه‌ای بگریه‌اید؟ آیا مترصد این هستید که این ملت، با این روحیه ایمان دردم بالا، به زندگی‌های خودش مشغول شود. مگر این ملت بارها اعلام نکرده که ما چنین شماره یک آمریکا، چینی و مگر آمریکا نشان نداده که دشمن شماره یک و اصلی ما است؟»

وی در پایان، ضمن یادآوری این نکته که هر چند مسئله گروگنیا در مجلس، به‌همی بیان مبارزه با آمریکا نیست، اضافه کرد: «ما باید به کتله‌ی امام، هم چیز را در رابطه با آمریکا مطالعه کنیم. طرح شدن مسئله گروگنیا در مجلس به سنی پایان مبارزه با آمریکا نیست. ما تا آخر عمر با آمریکا می‌جنگیم.»

۴- پارلمان جهانی ملتها برای صلح در صورتیکه با سخت‌گیری ملتی با صلح‌ها برای صلح در صورتیکه که به‌طورکلی به میزان بزرگی امرایس یافته است. ۲۳۶ شرکت کننده، به‌سما سبکی زما زما رضای مختلف بوده‌ها، چنین‌ها و احزاب سیاسی، مردان دانش و کارکنان فرهنگ، حمایت‌های مذهبی و اجتماعی و سیاسی، که بنیان کننده، خواست‌های آرزوی صلح هم‌میان خود در یکصدوسی‌وهفت کشور جهان هستند.

در حالی که از اروپا به‌یک‌گذاشتن و وضع بین‌المللی، و ارتش‌نات فراینده در جهت تسلیس به‌رور یا تهدید به آن، و همچنین در تحریم‌ها و محاصره اقتصادی و جنگ روانی، که موجب مسموم شدن روابط بین‌المللی می‌گردد، به‌خند سگراستند.

در حالی که از افزایش بی‌سندوبار و لاجباج در جهان عمیقاً نگران و از سبب غیرمسئولانه تسلیحات اسیاستن سلاحی برآفته‌اند.

در حالی که از حدت یافتن مسائل دنیا تپا جمعی، اقتصاد و سیاسی برانرا افزایش هزینه‌های نظامی در نشوینانند.

پس از بحث‌های صافانه و بی‌پرده به استنتاجات کلی زیر دربار: هدفهای عمده و وظایفی که اکنون در برابر نیروهای صلح‌خواه قرار دارد، رسیده‌اند:

۱- زندگی در صلح، حق طلب‌ناشناسی انسانهاست

زندگی در صلح، حق مقدس صلح‌ناشناسی هر فرد و هر ملتی است. صلح معنی مشترک و بین‌گرا نیست. سراسر بشریت و پیشرفت بشر بدان منروط است. حقوق اجتماعی و سیاسی جز در صورت تضمین حق آدمی به صلح تحقق پذیر نیست.

هر قدر برای بنیان حق مقدس، از جمله طرح برسی و نادرگ با مسادرت به‌جنگ، به‌ترین جناح برید بشریت است. تدوین کنندگان استراتژی جدید "هسته‌ای" برپایه نظری غیرانسانی امکان جنگ هسته‌ای محدود، مرتکب یک چنین جاسازی می‌شوند. جنگ هسته‌ای "محدود"، "محلی" یا "ممتد" نمودی نیست و ناگزیر به یک ترسانگاه عمومی هسته‌ای منجر می‌شود.

نیروهای جنگ طلب بشریت را با تصادف فراینده ساخته، تسلیحاتی، به‌گونه‌ای که از هر زمان خطرناک تر و به‌هزینه تر است، و روبرو می‌سازند. تلاش‌هایی که در جهت کسب برتری نظامی صورت می‌گیرد، نه تنها تاخیر دانه، بلکه می‌تواند به‌خطر است. چنین تلاش‌هایی می‌تواند تسلیحاتی را به‌سطح کیفی تازه‌ای ارتقا می‌دهد، که می‌تواند زهرگرفته کنترل خارج گردد.

سلاحی هسته‌ای و همه‌وکیل دیگر نابودی جمعی را به‌ضموع اعلام شود.

مبارزه برید هسته‌ای شدن دولت‌های نژادپرست و دیکتاتوری و مرسوم، که استقلال حسابان خود و صلح جهانی را تهدید می‌کنند، از اهمیت اساسی برخوردار است.

با بان دادن به انباشت سلاحی یک وظیفه مهمی شام می‌رود. با گویسه، مبارزه با تسلیحاتی مسالمت‌آمیز آغاز مذاکرات برپایه احترام بی چون و چاره اصول برابری و امنیت متقابل است. برای نیل به این مقصد هیچ راه دیگری وجود ندارد!

ما، برای آن که حق صلح تا مین شود، طلب می‌کنیم:

۱- قرارداد ۲ سالت بی‌درنگ تصویب و به اجرا گذاشته شود و مذاکرات دربار محدود کردن سلاح‌های استراتژیک آدا می‌یابد.

۲- گفت و گو دربار سلاح‌های هسته‌ای میان برود و پایگاه‌های مهم آن بی‌درنگ آغاز شود.

۳- ایجاد به‌های نظامی به‌صورت هم‌زمان منحل و همه پایگاه‌های نظامی بی‌گانه برپوده شود.

۴- اعتماد میان دولت‌ها، که در سال‌های هفتاد به پیشرفت مهمی در راستای تشنج‌زدایی منجر شده بود، از

۵- با بان دادن به انباشت سلاحی یک وظیفه مهمی شام می‌رود.

۶- گفت و گو دربار سلاح‌های هسته‌ای میان برود و پایگاه‌های مهم آن بی‌درنگ آغاز شود.

۷- ایجاد به‌های نظامی به‌صورت هم‌زمان منحل و همه پایگاه‌های نظامی بی‌گانه برپوده شود.

۸- اعتماد میان دولت‌ها، که در سال‌های هفتاد به پیشرفت مهمی در راستای تشنج‌زدایی منجر شده بود، از

۹- با بان دادن به انباشت سلاحی یک وظیفه مهمی شام می‌رود.

۱۰- گفت و گو دربار سلاح‌های هسته‌ای میان برود و پایگاه‌های مهم آن بی‌درنگ آغاز شود.

۱۱- ایجاد به‌های نظامی به‌صورت هم‌زمان منحل و همه پایگاه‌های نظامی بی‌گانه برپوده شود.

۱۲- اعتماد میان دولت‌ها، که در سال‌های هفتاد به پیشرفت مهمی در راستای تشنج‌زدایی منجر شده بود، از

۱۳- با بان دادن به انباشت سلاحی یک وظیفه مهمی شام می‌رود.

۱۴- گفت و گو دربار سلاح‌های هسته‌ای میان برود و پایگاه‌های مهم آن بی‌درنگ آغاز شود.

کنندگان و مبارزان را صلح ضرورت نام دارد. استقلال صلح نظامی به‌صاحب زمان صلح امکان ندارد و صلح ضرورت ضرورت است.

۱- خود رژیم‌های بیزاد بریت و دیکتاتوری‌ها را بیستی که دموکراسی و حقوق و آزادی‌های اساسی ملت‌های خود را لگدمال می‌کنند، برای وحدان سربت تحمل پذیر نیست سیاست نظامی می‌گردد و تشنج‌ها بین‌المللی عوامی هستند که شرایط مساعدی را برای مبارزه به‌گوشه‌های ضد-دموکراتیک و باغی نظامیان فاشیست و دیکتاتوری‌های فاسدی در دست قدرت فراهم می‌آورند.

۲- با لغرفتن همسری جنگی و سفیرت و کسب سبب به کشورهای دیگر، و همچنین گروه‌های کارزار سلطنتی به منظور اعتقاد شدن تخم‌گذاری و بدخواهی، با منافع ملتها مغایرت دارد. رسانه‌های گروهی باید در خدمت امر صلح باشند، نه آن که از راه فریب‌انگاری عمومی و بی‌سوسل به دروغ و اطلاعات نادرست، به منافع گروه‌های نظامی منتهی خدمت کنند.

۳- کسانی که مسئول تربیت نسل جدید هستند، باید به آرم‌های صلح و دوستی و همبستگی و احترام به همه ملتها خدمت کنند.

۴- صلح، امر مشترک عادلانه است

جنگ حتمی و ناگزیر نیست. صلح را می‌توان حفظ کرد و استحکام بخشید!

اولی این هدف را هیچ کشور هیچ ملت هیچ حزب یا سازمانی به تنهایی نمی‌تواند تحقق رساند. تنها از راه یک مبارزه مشترک است که ما خواستیم توانست به‌تواندهای با یکدیگر راه‌های صلح جهانی را تهدید می‌کنند، با پایا به هم، راه دیگری نیست.

هیچ چیز نمی‌تواند ما را در مبارزه مشترک مان برای ادانه، حیات بشریت از هم جدا سازد!

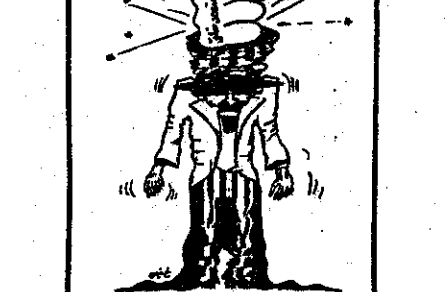
بگذار تا با یک ملت‌ها. برای صلح‌مندی در هر زمان در نظر اهرات توده‌ای، در ادا خود است‌ها، در برابر خوارنبا به‌با رلمان‌ها دولت‌ها، و همچنین در مقابلیت های همسختی در صلح ملی و بین‌المللی طنین افراشت بگذار تا کسانیکه در همه کشورهای قسمت‌های این جهان را پرید می‌آورند، صدای خود را برای دفاع و صلح و آینده بشریت به‌گوشه‌ها برسانند!

بگذار تا از تلاش‌های دولتهای که با هم‌انجاسی خود واقع‌بینی و حسن‌نیت از تشنج‌زدایی و صلح سلاح جانبداری می‌کنند، پشتیبانی کنیم!

بگذار تا از تلاش‌های جنبش‌های غیرمتحد، که در مخالفت با سیاست خود با سیاست نظامی مغرضی بی‌ارزشی‌ها را در تضمین صلح جهانی بازی می‌کنند، پشتیبانی کنیم!

بگذار تا از ابتکارات سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌دولتی برای مبارزه با تسلیحاتی تسلیحاتی، برای تا مین صلح و امنیت همه کشورهای جهان و برپای استقرار نظام جدیدی اقتصادی - سیاسی - اجتماعی پشتیبانی کنیم! برای همه افراد و اردن تومعه‌های اجلاس بیرونی آمده مجمع عمومی سازمان ملل متحد دربار صلح و دوستی تشکیل کنفرانس جهانی صلح صلح در ملبورن، هر چه مناسب‌تر، از هیچ گوشه‌ی هر گوشه‌ی زمین!

بگذار تا سال ۱۹۸۱ را، با دست زدن به یک ترمیم قاطع نیروهای صلح در جهت توقف اشباح صلح، به صورت تخته‌ریزی برای سال‌های هشتاد و نهم و نهم و اسیل انقلاب با آخرین طغری خون اعلام می‌داریم.



با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

نورالدین کیانوری

تجاوز نظامی صدام خائن ششمین توطئه امپریا

این مقاله در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۶۸، برای شماره ۲ مجله دنیا نگاشته شده است. از آنجا که تا انتشار این مقاله در مجله مدتی طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت ارزیابی‌هایی که در آن انجام گرفته است، متن آنرا در شماره امروز نامه مردم به چاپ می‌رسانیم.

اکنون بیش از سه هفته از تجاوز عهدشکنانه و خائنانه دار دوسته صدام به مین ما می‌گذرد. این جنگ تاکنون خون هزاران نیکبخت را به زمین ریخته و محصول سال‌ها رنج و رحمت میلیون‌ها کارگر و دهقان و روشنفکر زحمتکش را به باد داده و ثروت‌های عظیمی را به آتش سپرده است.

امروز دیگر برای همه روشن است که این تجاوز ادامه مستقیم و بخشی از توطئه‌های همه‌جانبه‌ای است که امپریالیسم آمریکا، سرگرده جهان امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی و بویژه ارتجاع منطقه میزبان ایران (ترکیه، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، اردن، امارات عربی، عمان و پاکستان) برای درهم شکستن انقلاب بزرگ شوک‌همند مین ما تدارک دیده و تاکنون طی پنج هجوم متوالی انجام داده و هر بار با شکست روبرو گردیده است. این توطئه‌ها را ساد آوریم:

توطئه اول، انجام کودتای نظامی در روزهای پیش از پیروزی انقلاب بود که اخیراً سلووان، سفیر سابق آمریکا در ایران، برده از اسرار آن برداشت. طبق این افشاگری روشن شد که در آن روزها به رهبری برزیل‌سنگی تلاش‌های جدی برای انجام یک کودتای نظامی به منظور پیش‌گیری از پیروزی انقلاب در خطبه به رهبری امام خمینی انجام گرفته است. توطئه دوم آمریکا توجیه منحرف‌ساختن انقلاب از دستگیری‌های عمده ضد امپریالیستی و مردمی‌اش بود که به دست امیرانتظامی‌ها و بویژه در چارچوب دولت سازتکراران و تسلیم‌طلبان، دولت گام به گام، دولت هوادار تحکیم سرمایه‌داری و حفظ وابستگی سیاسی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم عملی گردید.

توطئه سوم، توطئه فشار اقتصادی و سیاسی همه‌جانبه جهان امپریالیستی بود. این توطئه نتواند بود. با... فشار برای تحکیم حاکمیت مروج دوم لیبرال‌ها و درهم‌شکستن مقاومت بیرون راستین خط امام، توطئه‌ای برای کشاندن انقلاب ایران به همکاری با امپریالیست‌های اروپایی غربی و ژاپن در زمینه اقتصادی و همکاری با پاکستان و عربستان و امارات عربی، یعنی مزدوران امپریالیسم در زمینه سیاسی؛ توطئه برای زیرساختن مناسبات ایران با همه دوستان و یحییان واقعی انقلاب ایران و در درجه اول با اتحاد شوروی و با کشورهای مترقی عربی، یعنی سوریه و لیبی و الجزایر و یمن و موزامبیک و چین فلسطین. این توطئه هم با درایت امام خمینی و ایستادگی پیگیر و آشتی‌ناپذیر همه نیروها و یحییان خط امام درهم شکسته شد و بخش دوم لیبرال‌ها... افشا گردید و به زباله‌دان تاریخ انقلاب ایران فرستاده شد.

توطئه چهارم، توطئه براندازی آشکار جمهوری اسلامی از راه تدارک کودتای ضدانقلابی بود که می‌بایست در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در فلسطین به‌بهانه آزادی گروگان‌ها عملی گردد. دامنه وسیع این توطئه، بعد از جریان توطئه پنجم آشکار گردید.

توطئه پنجم، تدارک کودتای ضدانقلابی دامنه‌داری بود که در نقطه سرکوب شد و ایجاد جنبشی را که امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن سلطه خود بر ایران در نظر گرفته و از آن به هیچ قیمتی روگردان نیست، نشان داد: کشتار تا ده میلیون نفر از مردم مبارز ایران و تبدیل این سرزمین انقلابی به بزرگ‌ترین گورستان جهان. نقشه آمریکا برای مین ما این بود، این هست و این خواهد ماند.

در جریان همه این توطئه‌ها با یک تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر همه دشمنان انقلاب ایران روبرو هستیم و آن تلاش برای پایداری نفاق و چند دستگی در میان نیروهای راستین انقلابی ایران است. با کمال تأسف باید گفت که امپریالیسم و ضدانقلاب در این زمینه موفقیت‌های چشم‌گیری پیدا کردند و توانستند با بهره‌گیری از عوامل سازمان یافته ضدانقلابی و ساواکی، از عناصر چپ‌تن و از اعضای و پیروگرانی چپ‌گرایان و راست‌گرایان افزایش در راه رسیدن به منظور خود پیشرفت‌های بی‌سوسی‌به‌دست‌آورند.

شکست همه این توطئه‌ها نشان داد که از داخل آید برای موفقیت نقشه‌های امپریالیسم آمریکا وجود ندارد. مسلم بود که توطئه بعدی از خارج از مرزهای ایران آغاز خواهد شد.

به این ترتیب توطئه ششم از مرز عراق آغاز گردید.

در ارتباط با تجاوز صدام به ایران، همه این پرسش‌ها مطرح می‌گردد که: دار دوسته صدام با چه انگیزه‌های و روی چه حسابی به این جنبش بزرگ‌تاریخی دست زده است؟ می‌گوئیم باینخ این دو پرسش را بررسی کنیم.

انگیزه‌ها و حسابی

برای این جنبش دار دوسته صدام دو رشته انگیزه و حساب می‌توان در نظر گرفت: یک‌رشته انگیزه و حساب خارجی و یک رشته انگیزه و حساب داخلی.

۱. انگیزه‌ها و حساب‌های خارجی. چرا امپریالیسم آمریکا عراق را برای آغاز تجاوز از خارج به عراق عمومی گذاشته شد. روشن بود که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا یک تجاوز برداشته نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را در کشورهای ارتجاعی هم‌میز و نزدیک ایران تدارک می‌بیند، با در صورت شکست توطئه‌هایی که از درون ترتیب می‌دهد، این تجاوز را عملی سازد. تدارک این تجاوز نظامی بر پایه سه نیروی عمده انجام می‌گرفت:

– برای حمله مستقیم نیروهای نظامی ضدانقلاب به ایران که در صورت موفقیت یکی از توطئه‌های داخلی می‌توانست نقش موثر داشته باشد، در شرایط آدام‌گلی خلق برای روبروشدن با توطئه‌های ضدانقلابی هم‌ترین امید موفقیتی وجود نداشت.

– برای تجاوز از ترکیه و پاکستان، اولاً هیچ بهانه سیاسی وجود نداشت و ثانیاً چنین تجاوزی نمی‌توانست نقش تعیین‌کننده برای وارد آوردن ضربه خورد کننده به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته باشد و دم‌خروس امریکائی، آنهم از همان آغاز، آشکار می‌شد.

– حمله مستقیم ارتش آمریکا هم به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و خطرناک عظیمی که می‌تواند نتیجه نیروهای متجاوز گردد، تا وقتی که هنوز امکانات دیگری مانند استفاده از نیروی های کشورهای ارتجاعی منطقه وجود داشته باشد، از طرف امپریالیسم به عقب انداخته می‌شود.

با در نظر گرفتن همه این حساب‌ها، تجاوز عراق، در صورت موفقیت، می‌توانست این هدف‌ها را تأمین کند:

اولاً، ضربه شش‌جانبه‌ای به نیروهای دفاعی ایران وارد سازد، ثانیاً، دولت جمهوری اسلامی را با محروم کردن از منابع حیاتی سوخت و انرژی و ارزی با دشواری‌های مملکت روبرو نماید.

ثالثاً، زمینه را برای وارد کردن نیروهای مسلح آماده شده ضدانقلاب به ایران مهیا گرداند. به این ترتیب فرقه به نام نخس صدام تک‌تیمی؛ تظاهرات سوم (پس از حقیقت‌الله امین که نقش ساد دوم را ایفا می‌کرد) و اختیاری و امیرانتظام و نریسه افتاد و دار دوسته صدام مأمور اجرای این جنایت گردیدند.

۲. انگیزه‌های داخلی. می‌دانیم که رژیم بعثی کنونی عراق در مرحله رسیدن به قدرت برای جلب حمایت توده‌های محروم جامعه عراقی که از سلطه دهها ساله امپریالیسم و فارتگری چپ‌اولتران داخلی جانشان به لب رسیده بود، با یک سلسله فشارهای ضد امپریالیستی و دیگر تریک و مردمی به میدان آمد. این رژیم مدعی بود که می‌خواهد سلطه امپریالیسم جهانی‌ساز را از خاکه غایتگر شماره یک در عراق ببرد، براندازد، و با استیسی اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور عراق به امپریالیسم پایان دهد، دست بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم را از غارت ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان کوتاه کند، آزادی را برای مردم عراق تأمین نماید و برای حل مسئله درون‌تاریکی ملی در عراقی که بویژه شامل مسئله خلق چند ملیتی کرد بود، با شناسایی حق خودمختاری این خلق در چارچوب کشور واحد عراق، راه حل عادلانه و دموکراتیکی را برگزیند.

مسئله است که در درون حزب به قدرت رسیده بعث عراق از رده‌های بالا تا پایین نیروی های راستین انقلابی وجود داشتند که به این هدف‌ها متعهد بودند و تمام نیروی خود را برای تحقق آن‌ها بکار می‌بستند. واقعیت تاریخی اینست که در کنار این نیروهای راستین هوادار تغییرات بنیادی به سود استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی در درون جنبش بعث عراق، نیروهای دیگری از قسای امیرانتظام‌ها و نریسه‌ها، از قسای سادات و حقیقت‌الله امین‌ها، یعنی از جاسوسان سرسپرده امپریالیسم آمریکا گرفته تا لیبرال‌ها و هواداران نظام سرمایه‌داری جا داشتند. نبرد میان این دو گرایش‌ها در جنبش بعث وجود داشت و درست همان‌طور که در دوران انقلاب شوک‌همند کشورمان شاهد آن هستیم، از همان‌روای تثبیت حاکمیت جنبش بعث در عراق رو به شدت گذشت.

در چند ساله آغاز دوران اخیر حاکمیت جنبش بعث عراق به علت این که نیروهای راستین انقلابی در درون بعث از نفوذ نسبتاً قابل توجهی برخوردار بودند و جو افکار عمومی خلق عراق مانند جو انقلابی مین ما خواستار جدی و پیگیر درگیری‌های بنیادی در جهت تأمین استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی به سود محرومان بود، در سیاست عمومی دولت بعث عراق به طور عمده سمت‌گیری‌های مثبت علیه داشت. درست به علت وجود همین سمت‌گیری‌های مثبت بود که امپریالیسم‌ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تمام نیروی خود را در داخل و خارج برای کمک جناح ضد امپریالیست و تقویت جناح سازشکار به رهبری صدام خائن بکار انداختند. کمک‌های نظامی و مادی زورپوشه به دشمنان کردستان عراق به رهبری مصطفی بازرگانی که به منافع خلقی کرد پشته پا زده و با امپریالیسم آمریکا هم‌سپین و رژیم آریامیری از دربارش فراهم کرده بود، بخشی از این توطئه برای تضعیف نیروهای مردمی و ضد امپریالیست و تقویت جناح سازشکار و وابسته به امپریالیسم به رهبری صدام تک‌تیمی بود.

پس از ۱۹۷۵ با شناسایی که طی آن به از پیشانی کرد‌های عراق دست کشید و خلق کرد را به جلادان صدامی تحویل داد، آغاز تسلط نهایی گروه صدام بر کردستان، سیاست ضدعراقی بود. از آن تاریخ در همه زمینه‌ها سیاست انورباندی، یعنی سیاست ابتدا آرام آرام و بعداً برنتاب چاق‌های از هدف‌های اولیه و مردمی جنبش بعث و گرایش به سیاست فاشیسم گزبان در داخل کشور و گرایش به سازش با امپریالیسم و ارتجاع منطقه و دوری از جنبه ضد امپریالیستی جهان و بویژه از جنبه پایداری عرب و دشمنی با آن‌ها روز بیشتر در رهبری جنبش بعث عراق حاکم گردید.

با این گرایش‌های ارتجاعی پانگه مردمی جنبش بعث هر روز تنگ‌تر می‌شد و توده‌های وسیع زحمتکشان که در دوران اولیه حاکمیت بعث به دنبال شعارهای مترقی و یک‌رشته اقدامات مثبت اجتماعی به طرف بعث جلب شده بودند، هر روز بیشتر از این جنبش روگردان می‌شدند. جنبه متعصب که در آغاز با شرکت جنبش بعث، حزب کمونیست و جنبش دموکراتیک کرد بوجود آمده بود، به نام بی‌محتوایی میل‌شده از هم فروپاشید. به این ترتیب نظام نوین در عراقی که بر پایه این اتحاد پایه‌گذاری شده بود، به انحسار جناح سازشکار و تسلیم‌طلب جنبش بعث عراق درآمد. از این‌پس دشمنی با سوریه و لیبی و مجموعه جنبش شرقی عربی، نزدیکی به ارتجاع عرب بویژه به عربستان سعودی و امارات عربی و سنگاندازی آشکار درجه‌به، بقاومت در مقابل تجاوز اسرائیل به وزارت‌تشدید شیوه‌های فاشیستی که نمونه بارز آن اعدام ۲۲ تن از مرکز رهبر جنبش بعث عراق که با سمت‌گیری ضد ملی و ارتجاعی صدام و انتخاب وی به جای البکر به مقام ریاست‌جمهوری مخالف بودند، پایه و اساس سیاست خارجی و داخلی عراق پشتی گشت.

پس از فراراد ۱۹۷۵ نزدیکی اقتصادی و سیاسی و نظامی عراق به کشورهای اروپایی غربی و چین و ژاپن آهسته آهسته جانشین سمت‌گیری ضد امپریالیستی و دوستی و همکاری با جنبه ضد امپریالیستی جهانی گردید. دوستی با کشورهای سوسیالیستی سرزد، دوستی با اروپای غربی و ژاپن و چین گرم گردید، از نزدیک با جنبش ضد امپریالیستی در دنیا عرب‌کاست شد و با سوریه کارشکنی به خصومت آشکار کشید و در مقابل، بازار روموسی و نفت به گردن انداختن صدام با پادشاه سعودی و شاه حسن اردن و شاه حسن مراکش و ضیاء‌الحق و...

روقی یافت. به موازات این سیاست، دار دوسته صدام که زمانی ادعا می‌کردند که هوادار مبارزان ضد استبداد ایران هستند، ۱۸۰ درجه عقب‌گرد کردند و مبارزانی را که به آن‌ها یقین می‌بودند به جلادان ساواکی‌ها تسلیم می‌نمودند و کار را به آن‌جا رساندند که به فرمان‌شاه امام خمینی، رهبر جنبش انقلابی ایران را از عراق تبعید نمودند.

پیروزی انقلاب ایران تشدید عظیمی برای رژیم صفاک و خون‌آخام دار دوسته صدام به شمار می‌رفت و به همین جهت از همان نخستین روز، توطئه برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی

ایران و درهم شکستن انقلاب ایران به پیش‌ترین و حزب توده ایران از مدت‌ها پیش با حد

مجهز پرست و انقلابی عراق برده از روی این تود

حسب‌محوالاتک هدهد حاضر ضد انقلابی ایران از

و پانزدها گرفته تا عناصری مانند تاسلو و عراق

های آمریکائی کوطه و بیگار و نظارت آن‌ها سدل شد

دار دوسته صدام از سمل درآمد عظیم نه

ملت ایران و انقلاب ایران‌باز کرد و آنان را

برای تیران و کشتار و متزلزل ساختن و براند

و بالاخره پس از آن‌که همه این توطئه‌ها را

مستقیم نظامی به خاک ایران کورگورانی بجزر حله

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی

صدام را علیه انقلاب ایران افتاد کرد و دولت را

در نامه مردم (مورخ ۴ مهرماه ۱۳۶۸) هیبرست

زمنه جبهه‌های ضد بعث است. این هیبرست عا

که وزیر خارجه هوادار خط برونیستی تدارک ده

او لزوم همکاری با رژیم صدام برای سرکشی ح

شماره ۲۴ خردادماه ۱۳۶۸ خود چنین نوشت:

«سپاست فاطمی دولت عراق

اجتماعی خود را از دست بده

و لزوز احساسی کند و از نفوذ

بستی و تیران را بخواهد تا حد

به خیال خود از انتظار مردم عر

ولی خوشبختانه امپریالیسم و ارتجاع

انقلاب ایران و امپریالیسم

امروز دیگر کمتر کسی است که ندان

حسیتی نسبتاً پیگیر امپریالیسم آمریکا که ند

ساخته بود بلکه بر پیگیر مجموعه جهان امپریا

در منطقه کشور ما، بلکه در سراسر جهان وارد ساد

کشور ما به عنوان یکی از میدان‌های کم‌خط

های استراتژیکی در نقشه‌های استیلاجویانه جها

لیسم در برابر سبل بنیان‌کن جنبش نیرومند

گرهی بوده و در آینده نیز خواهد بود.

تولید نفتی مین ما که یکی از بزرگ‌نرس

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم

الیسم امریکایی در هم شکستن انقلاب ایران

رطبه، سیاسی دولت صدام مدل گردید. ست آوردن اطلاعات دقیقیت از طرف سازمان مله برداشت و نشان داد که چگونه برای صدام اسکانگاری مانند اشرف پهلوی و سخاتار دویسی و جلال حسینی و نقضتندی و دارو دست-بند است. ...

تد ریکس را برای پشتیبانی از این دنیسان و بول و جنگ افروز و مبلات و بپ و دینیات محس زیم جمهوری اسلامی ایران تشویق می کرد. نگامی روبرو شد. دستور آمریکا را برای تجاوز اجرا در آورد.

بود گفتش خرابکارانه و خصمانه، دارو دست-آرای بیگسگری از این توطئه، خطرناک فراوانند. اسکانگریها و هندارهای مهم حزب ما در این یان می دهد که حزب ما درست در همان روزهای جوت صدام را به سپران می دید و دوست دیگر جسن کرد را تبلیغ می کرد، "نامه" مردم در

امریکا در کشورهای عربی و اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا و هذست جدیدشان چسن، مافوقستی تسلط می ساخت و به ملت موقیعت استثنائی جغرافیائی قیاس به مهم ترین پایگاه جاسوسی و کسب خبر از اتحاد شوروی تبدیل شده بود.

ایران به عنوان برجسته ترین و نیرومندترین کشور خلیج فارس که در درصد تمام موقیعت انرژی جهان سرمایه داری از منابع منحصربه فرد کشورهای ساحلی آن نامین می گردد، به صورت زاندارم منطقه با ماموریت سرکوب هر جنبشی استقلال طلبانه و راهقی بخضضاد امپریالیستی در هر نقطه از منطقه تا دندان مسلح شده بود.

دولت دست نشانده و سرسپرده ایران مانند اسب دوم در شکه، امپریالیستی در کنترال اسرائیل و همگام با اسرائیل ماموریت داشت که جنبش شرقی و ضد امپریالیستی خلق های عرب را در هم شکند و بانک زور و پول افغانستان را در دوران داود به بردگی امپریالیسم بکشاند و پس از پیروزی انقلاب نور ۱۳۵۷ با انقلاب افغانستان را سرکوب کند و مالن را به کتک ساداتها و صدام ها، یعنی هسان امپریالیسم ها و تزییسه ها، از مسیر اصلی اش منحرف سازد. این حقایق بخوبی اهمیت ایران را برای جهان غرب نشان می دهد و روشن می سازد که انقلاب یکصد همدان که با رهبری قاطع و تزلزل ناپذیر امام خمینی پیروزی تاریخی بدست آورد، چه ضربه، دردناک و جبران ناپذیری بر پیگر امپریالیسم وارد ساخته است.

در دوران بیست ماهی که از پیروزی درخشان انقلاب ما می گذرد، تمام تلاش های امپریالیست ها به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و به دستکاری همدستانشان در منطقه برای ترمز کردن این سیل بشمار براندازی که با انقلاب ایران آغاز گردیده به نتیجه ای نرسیده است و اقدامات پیگیر حاکمیت انقلابی و نهادهای که با انقلاب و برای تنگم انقلاب بوجود آمده اند، یکی پس از دیگری ضربات دردناک تازه ای بر پیگر امپریالیسم جهانی وارد ساخته است.

انقلاب ایران محکم ترین مواضع غارت و اشغالی امپریالیسم را در منطقه بود تهدید مستقیم قرارداده و پایه های تسلط جهانی اش را به لرزه در آورده است. موضع گیری دشمنانه و آتش ناپذیر امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا نسبت به انقلاب ایران از مابیت غارتگران ذاتی تغییر ناپذیر امپریالیسم ازبکو و از مابیت عمیقاً ضد امپریالیستی و آتش ناپذیر انقلاب ایران سرچشمه می گردید.

مجموعه سیاست ایران را از دستگیری انقلابی منحرف سازد، به تدارک مقدمات تجاوز نظامی آشکار و مستقیم نیز همانطور که درویشام عمل کرد، پرداخت.

امپریالیسم آمریکا دست در دست سار کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه، طی در سال اخیر نیروهای تهاجمی مطلقیتی از واحدهای دریائی، هوائی و زمینی در مرزهای جنوب ایران سرکوب ساخته است. نگاه گزناهی به این ترکز نیروها که ارجاحاط کبیت و کبیت، پس از جنگ دوم جهانی بی سابقه است، دامنه گسترده نقشه های شیطانی امپریالیسم جهانی را بخوبی آشکار می سازد.

هم اکنون ۶۰ ناو جنگی عظیم آمریکا، انگلیس و فرانسه در اقیانوس هند متکز شده و بخشی از آن ها به داخل خلیج فارس گسیل شده اند. آمریکا حتی استرالیا و آلمان غربی را در رفتار سیاسی پیچور ساخته است که بخشی از نیروی دریائی جنگی خود را به این منطقه گسیل دارند. بخش مهم دیگر نیروی دریائی جنگی آمریکا در شرق مدیترانه دریواخل و آب های صحر و اسرائیل، چناق غربی این ترکز نیروها را پاس می دهند.

امریکا در کنار تهاجم بی سابقه پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند، بحر، فرستان صودی، اردن، عمان و سایر امارات خلیج فارس را به پایگاه های نظامی خود مبدل ساخته و نیروی عظیم تهاجمی در این منطقه و حیانت دولتردان خود فروخته پایگاه های کتیا و سومالی را آمده از غارت نفت، این منطقه و حیانت دولتردان خود فروخته پایگاه های کتیا و سومالی را برای پشتیبانی نیروهای غربیتی خود تامین کرده است. با فرستان ۴ هواپیمای آواکس و مبادیر محتاطی دستگاه های خبرگیری زمینی به این منطقه بزرگترین مرکز جاسوسی امپریالیستی را در آسیا و آفریقا بوجود آورده است. بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیروی آماده برای تجاوز در اردوگاه های آمریکا برتیا در حال تربیت اند.

با کودتای نظامی زنرال های آمریکائی در ترکیه و تقویت رژیم وابسته نظامی ضیال الحقی در پاکستان و تدوین گازیتر آمریکائی در اردن و سیرن ما را برای در هم نشردن انقلاب ایران محاصره کرده است. اسرائیل هم مطابق مهم ترین پایگاه تجاوز آمریکا، دوستان ایران یعنی سوریه و جنبش فلسطین را هر روز زیر فشار و تهدید بیشتر قرار می دهد.

آیا همه این ها کافی نیست که این فریضه را خیلی محتمل بدینیم که آمریکا برای تجاوز مستقیم به ایران، در صورتی که همه راه های تجاوز غیر مستقیمش با ناکامی روبرو شود، همه تدارکات لازم را فراهم آورده و هر روز بیشتر فراهم می آورد؟

به همه این تدارکات باید اضافه کرد که نیروهای سازمان یافته و مسلح ضد انقلاب "برائی" که در داخل و چه در خارج کشور بطور عمده هنوز دست نخورده باقی مانده و در هر لحظه مناسب می توانند وارد میدان شوند.

امریکا و انقلاب ایران

که در درجه اول محصول خرابکاری عوامل زار در دستگاه قدرت بود. و انحصار طلایی و خا خا با سیاسی آنچنان تر کرده نای انقلاب در میان سروران جامعه و سپهر است که با این پادها به لرزه در نمی آید. باره ها که با برگشته امام خمینی انقلاب این شکم فرخ های خونگزارانی که گیسها را از ن فرار کردند و نقشه امریستی آمریکا صدام- ۱۲ سپهره "دولت بختیار" را در خوزستان

ی آغاز تجاوز، سپهریس سازمان امنیت دارو حنبار، آروپا، فریدون جم، اویسی و مدنی م در بغداد نقشه کامل جدا کردن خوزستان و از فرار کردند و نقشه امریستی آمریکا طرح شده به

جسی امپریالیست های آمریکائی به هیچ وجه نام فوت به جای خود باقی است و محور اساسی بران تشکیل می دهد. آمریکا، ایران وابسته به اویسی و با امپریالیسم ... و سایر س جان فولر که امروز دیگر حلقم است، همان بر و در انتظار بازگشت فرزند "ارباب مهر" بررسی بنیادی دو مطلب دیگر نیز بپردازیم: آمریکا، سپس موضع امپریالیسم آمریکا در قبال

بنابر همه دلایلی که در بالا گفته شد، آمریکا به عنوان سرکرده دنیای امپریالیستی با جنگ و دندان می کوشد تا انقلاب ایران را با کتک روبرو سازد و مواضع از دست رفته را دوباره به چنگ آورد. تصور این که امپریالیسم در پی ضربه هائی که از انقلاب ایران خورده و در نتیجه شکست توطئه های رنگارنگی که تاکنون بر هم کرده بالاخره "مغرل" خواهد آمد و انقلاب ایران را به رسمیت خواهد شناخت خود گول زدن است و ناشی از عدم شناخت مابیت امپریالیسم، امپریالیسم "هقل" نداد، تنبها درندگی و غارتگری دارد، حیانتش به این درندگی و غارتگری بسگی دارد. امپریالیسم اگر درندگی و غارتگری را کنار بگذارد، خواهد مرد.

امپریالیسم جهانی تا آن زمان که انقلاب ایران همین راهی را که برای پاره کردن همه زنجیرهای وابستگی و عمودیت در پی گرفته است، دنبال کند، هرگز انقلاب ایران را بوسیت نخواهد شناخت، همان طور که انقلاب ویتنام و کوبا و افغانستان و لیبی و سوریه و بین دگر تارک و آنگولا و موزمبیک را در رسمیت نشناخته و از هیچ جنبایشی برای ناکام ساختن و با شکست روبرو ساختن این انقلاب ها فروگذار نمی کند.

امپریالیسم آمریکا، این سرکرده امپریالیسم جهانی به طور دائم و پیگیر در صدد درهم کردن و تدارک توطئه علیه همه این انقلاب های خلقی است. پس از بیش از ۱۵ سالی که از انقلاب کوبا می گذرند هنوز محاصره اقتصادی و فشار سیاسی و تحرکات خرابکارانه امپریالیست ها علیه این جزیره آزادی با تمام قوت ادامه دارد. امپریالیست ها، چین را مانند یک پلنگ گرسنه از شمال و حکومت تایلند را از غرب و کشورهای ارتجاعی جنوب شرقی آسیا و علیه ویتنام و لائوس و کامبوج که خلق های قهرمان شان طی یک نبرد جهل ساله خود را از یوغ امپریالیسم آزاد ساخته اند، تنزیک می کنند، در جنوب آفریقا، جمهوری نواد پرست آفریقا را به به جان آنگولای انقلابی می اندازند، در قاره آفریقا، سدوران سومالی را که مبین خود را به قیمت ۲۰۰ میلیون دلار به آمریکا فروخته اند، همچنان استوپی انقلابی که مانند ایران انقلابی، استبداد سلطنتی چند صد ساله را در هم شکسته و زنجیرهای اسارت استعماری را پاره کرده است، می برند و در هم می پاشد، فاشیست های با کشتاری را علیه دولت انقلابی افغانستان به میدان می برند و در صورتی که اسرائیل و ایغالگو و سادات خود فروخته را مانند مگهای هارو گرگ های خونخوار از یکو علیه لبی انقلابی و ازبوی دیگر علیه سوریه و خلق فلسطین که در لبنان آواره هستند به راه می اندازند.

در چارچوب این سیاست تجاوز کارانه جهانشمول است که باید سیاست امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران انقلابی ارزیابی نمود.

اگر قبول داریم که ضربه انقلاب ایران، از همه ضربه های دیگری که انقلاب های ضد امپریالیستی سال های اخیر بر پیگر امپریالیسم جهانی وارد آورده است، دردناک تر و خطرناک تر است، باید از این جناح نتیجه بگیریم که عکس العمل خصمانه امپریالیسم جهانی هم علیه انقلاب ایران از موارد مشابه کین توانمندتر خواهد بود. اینست واقیعت آن چه که ما از آمریکا نسبت به انقلاب ما می توانیم انتظار داشته باشیم.

در صفحه ۴ روزنامه کیهان (۲۳ مهر ۱۳۵۹)، بیانهای از طرف "کمیته پشتیبانی از استوار انقلاب ایران"، کمیته ای که از سوی آمریکائیان ضد امپریالیست و آزادی دوست تشکیل شده، تحت این عنوان درج شده است:

"امپریالیسم آمریکا قادر به پذیرش ایرانی مستقل و بی طرف نیست" اینست آنچه که حزب توده ایران بی سال است بدون وقفه با پیگیری گفته و تکرار کرده است. امپریالیسم آمریکا تنها می تواند ایرانی وابسته و اسیر در زنجیرهای اسارت امپریالیستی تحمل نماید.

میدان انقلاب در ایران از سه راه در قبال است: نخست این که سازمان های مخفی خود را برای وارد آوردن ضربه در لحظه مناسب هر روز آماده تر می سازد.

دوم این که به وسیله عناصر خود که در همه جا سرت دارند، از یکسو جهت خرابکاری در کاربندهای دولتی و ازبوی دیگر در ادارات مردم و بالاخره به وسیله نقا افکنی و تشدید چند دستگی میان نیروهای راستین هوادار انقلاب با تمام نیرو عمل می کند.

سوم، شیوه ضد انقلاب در پیاده کردن خط برزیستی در سیاست خارجی ایران است که با کتک نبردهای سازمانگرا و تسلیم طلب، سازمان مخفی حزب خلق سلمان و پشتیبانان بانفوذ آن در میان قشرهای سرمایه دار و مالک و برقه با تمام قدرت عمل می شود و هدف عمده و اساسی آن اینست که با خیره کردن مناسبات ایرانی با دوستان و پشتیبانان انقلاب ایران در جهان و بویژه با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای عربی جدید، پایداری، صیبن ما را به انزوی کامل سیاسی بکشاند.

نگاهی به مطبوعات بیرونی خط برزیستی و تبلیغات مانگانگدان این خطی بی از کودتای نافرمانج تیرماه و بویژه همدستی بی سابقه این مطبوعات با خبرگزاری های مطبوع الحال امپریالیستی، صهیونیستی و اقلیت را به واقیعت را به روشنی روز آشکار می سازد.

با کمال تاسف، این واقیعت دردناک هنوز وجود دارد، که مطبوعاتی ها و امیرانظام ها و نرینه های افشا نشده و مافوقستی های به رنگ اسلام در آمده، بسیاری از مقامات جاسوسی را در دستگاه های دولتی و بویژه در ارگان های مطبوعاتی و خبری کشور هنوز درست دارند. اینان با تمام نیرو در تلاشند تا آمریکا را از یوغ برزیه خارج سازند، وارد آوردن تیمت و افترا به کشورهای سوسیالیستی در خارج و جنبش اسلم انقلابی توده های در داخل، مانند هیئت وسیله این خائنین برای رسیدن به این هدف سنگین و جنایتکارانه است.

سرگردگی امپریالیسم امریکا

علا ب ایران به رهبری امام خمینی ضربه بسیار بلط فارتگرانه و حیانت بارش را بر کتوریا برقرار نیستی. نقشه در زمینه حاکمیت غارتگرانهای

سر مرات امپریالیستی و یکی از مهم ترین پایگاه مسئول امپریالیسم برای مجموعه حیات امپریالیست امپریالیستی جهان دارای اهمیت استثنائی و

ن مباح تولید نفت حیوان بود، درست در اختیار و طبیعتی فرار داشت و تقریباً تمام درآمد آن به عربی مخصوص کالاهای لوکس برای یک قشر کوچک سی و سایر مالکی هایشان باز می گشت. آمار می دهد که از پیش از ۱۴ میلیارد دلار واردات بود حدود ۲۶ درصد از ۱۰ کشور امپریالیستی سالیان، کانادا، بلژیک، هلند و آفریقای جنوبی، و کشورهای "دنیای سوم" و تنها ۶ درصد از است. اما در مورد صلاح های جنگی کافی است. طی ۵ سال آخر سلطنت کتبار محمد زاهد پهلوی به آمریکا و اروپای غربی پرداخت گردید.

امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن، ایران را حیوانه پایگاه های نظامی امپریالیستی برای اعمال ستی و جلوگیری از گسترش نفوذ و اعصاب انقلابی و زار مارگرانه امپریالیسم جهانی است. در آورده و، بیمان آتلانتیک شمالی را که از مرزهای اتحاد ترو نرکه را در سر می گرد، با پایگاه های نظامی

باید انتظار داشت که امپریالیسم آمریکا بویژه در دوران تدارک هتتمین توطئه خویش علیه انقلاب ایران، که بدون تردید در صورت شکست تجاوز عراق، بلافاصله به مرحله عمل درخواهد آورد، از این سون پنجم خود جداکنر بهره گیری را کند. ولی علی رغم این توطئه بزرگ برای منحرف کردن افکار عمومی، واقیعتاً سرخست ماسک های دورویی و تروریز را از چهره کره ای دشمنان انقلاب ایران برخواهد داشت.

چگونه میتوان امپریالیسم امریکا را به سرچایش نشاناد؟

باید نظر گرفتند تدارک عظیمی که امپریالیسم آمریکا با کتک سایر امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن و رژیم های ارتجاعی منطقه و ضد انقلاب داخلی علیه انقلاب ایران دیده است، این برش کلاماً بحق مطرح می شود که آیا با همه این ها امکان این وجود دارد که امپریالیسم را به سرچایش بنشانیم و نقشه های تجاوز کارانه اش را بقتش برآزمیم؟

برای ما تردید نیست که در صورت در هم شکست شدن ششمین توطئه آمریکا، یعنی تجاوز صدام حاشن، امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، به هتتمین توطئه که برداشته و شدیدتر از پیشی خواهد بود، دست خواهد زد.

هم چنین برای ماتریدیستی نیست که با در هم شکستن تجاوز صدام حاشن، با وجود فرسایشی و خسارتی که در پیامد این جنگ تحلیلی به نیروهای کشورهای متاکنون وارد شده و ناپایان جنگ وارد خواهد شد، امکانات عمومی انقلاب ایران برای مقابله با توطئه های آینده امپریالیست ها به مراتب زیادتر خواهد گردید.

اگر مقامات مسئول سیاست کشور بتوانند از این امکانات بافعل بوجود آمده و امکانات بالقوه ای که وجود دارد به بهترین شکل بهره گیری کنند و آن ها را در جهت تقویت نیروهای پایداری و مقاومت به کار اندازند، بدون تردید متجاوزین امپریالیستی به فکر خواهند افتاد و امکان واهی وجود دارد که بالاخره در دست بازی به توطئه های تجاوز کارانه علنی نامل کنند.

این امکانات بطور عمده عبارتند از تقویت همکاری و اتحاد عمل میان همه نیروهای

باید انتظار داشت که امپریالیسم آمریکا بویژه در دوران تدارک هتتمین توطئه خویش علیه انقلاب ایران، که بدون تردید در صورت شکست تجاوز عراق، بلافاصله به مرحله عمل درخواهد آورد، از این سون پنجم خود جداکنر بهره گیری را کند. ولی علی رغم این توطئه بزرگ برای منحرف کردن افکار عمومی، واقیعتاً سرخست ماسک های دورویی و تروریز را از چهره کره ای دشمنان انقلاب ایران برخواهد داشت.

امریکا تدارک همه جانبه برای برانداختن نظام جمهوری اسلامی ایران دیده و دنبال می کند

از همان فرهای پیروزی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا در زمین این که می کوشد از راه تقویت دولت "کام" به کام "لیبرال ها و سازگاران، از راه اعمال نفوذ و تاثیر سربرندگان و جیره خواران خود مانند امیران نظام و نرزه و مقدم بر ایهای و دیگران که هنوز نشانده بودند،

تی ودموکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

تی ودموکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

هیئت های ۷ نفری باید در خدمت روستائیان رنج دیده باشند!

روستای رستمکنی فاکشمیر بر سر راه حاکم فاکشمیر - جوپیار واقع است و به خاطر نوار در آن ساکن هستند. این روستا از نظر امکانات رفاهی و درآمد در زمره روستاهای عقب مانده کشور است.

هزاره های مالک روستا، قبلاً از انقلاب، صاحب ۲۱۵ هکتار از اراضی بود. بعد از انقلاب، اهالی که عموماً کم زمین هستند، برای تقسیم زمین به مقادیر مالک مراجعه کردند، ولی به علت نفوذ عمال بزرگ مالک در مراجع امور، مراجعات بزرگ روستائیان بلا اثر ماند، یک بار نیز مزدوران چاقو دست بزرگ مالک، به اهالی حمله ور شدند و عده ای از روستائیان را مجروح کردند. دودگی روستائیان برای دریافت زمین تاکنون بی نتیجه مانده است.

بعدها از اعلام دولت دربار و واگذاری زمین، دوفتر از جانب هیئت هفت نفری فاکشمیر، در تاریخ ۱۶/۱۶/۵۹، به روستا آمدند، ولی بجای این که با روستائیان صحبت کنند، بعد از صرف شام در بیژل بزرگ مالک، خود را متخفیات خورای محصل گردیدند. اعضای هیئت اعزامی به روستا میخواستند کاندیدای شورای محل را از میان افراد مورد نظر خود انتخاب کنند. از آنجا که آن افراد، از نظر روستائیان تا حدی مرموز و در شورا را نداشتند و از طرفی نیز هیئت اعزامی خواستار تعیین به سرار بستگان نشود، آنها بود. انتخابات شورا تا مخالفت روستائیان روبرو شد و انجام آن به عدم موکل گردید.

سیدبا قویا قری، یکی از روستائیان میگوید:

"سعی در فیصله دادن ناموفق انتخابات

چشم من خواب دیدم که چشم خویش از دست داده ام. وه چه خواب جانگامی!

حزب من، دیده انست و از دست یبش مردم دل آگاهی

حزب من، حزب توده ایران

آنکه کوه است زده او، کاهمی

اگر از دست چشم من میرفت

چه مرا پرده عمس کوتاهی!

هر که را دیدگان روشن نیست

باز نشناسد از ره چاهی

گوری خصم، چشم من بیستاست

میدهد فرق چاهی از راهی

رسم بیدار بودن آموزد

اختران را به هر سحر گاهی

توچ - مرداد ۵۹

هواداران حزب توده ایران در منطقه روستائی تاکنستان آماده دفاع از جمهوری اسلامی ایران

به دنبال تحولات نظامی رژیم جنایتکار مدام حسین به میهن انقلابی ایران، هواداران حزب توده ایران در تاکنستان، طی اعلامیه ای خطاب به مردم مادری کورستان آماده دفاع برای شرکت در امر مقدس دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند.

در این اعلامیه که رونوشت آن برای کمیته انقلاب اسلامی تاکنستان و سوی نامه "مردم پرستانه" شده است، با جمله گفته می شود:

"ما هواداران حزب توده ایران به پیروی از بنیادین امام خمینی در مورد وحدت کلمه و با توجه به فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران که در نامه "مردم" شماره ۲۸۵ منتشر شده و طی آن ضمن دعوت از تمام نیروهای انقلابی ایران به اتحاد عمل در جبهه منتهی وطن اعلام شده که حزب ما به تنهایی، خویش تمام نیروهای خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد، اینک در جبهه رجویا این سیاست اصولی، اما دگر خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام می دهد."

در اعلامیه از راهزنان می داند که آنست که امکان همکاری برای هواداران حزب توده ایران در تاکنستان در دوستان دینی با سایر نیروهای انقلابی جبهه مبارزه با شیطان بزرگ آمریکا و مقابله با هجوم وحشیانه رژیم جنایتکار رعدا مدام حسین فراهم آید.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

به دنبال درج یک خبر دهقانی، شماره ۲۸۷ نامه مردم مورخ ۵۹/۴/۱۹، در مورد شیوع بیماری بلاست در مزارع تاکیاری ابراهیم بندر انزلی، نامه ای از طرف مدیرکل کشاورزی و سرپرستان اداره کل کشاورزی و امور روستاهای استان گیلان، به شماره ۵۹/۷/۵۲/۱۱۸۹۲، بته دفتر نامه "مردم" ارسال گردید و، که در ذیل عینا درج میشود.

"مطلب به طلب مندرج در شماره ۲۸۷-۵۹/۴/۱۹، که موضوع بیماری بلاست بندر انزلی، با استحضار میرساند این اداره کل به موقع، وجود بیماری بلاست و شرایط مساعد جوی جهت شیوع آن و نحوه گسترش آن را از طریق اطلاعیه ها و گفتارهای رادیو و تلویزیونی و همچنین طی جلسات متعدد با اطلاع کبیته تاکیاریان گیلان رسانیده و سر و میانه مورد لزوم جهت استفاده کشاورزان را در ادارات کشاورزی در شهرستانها مستقر نمود. خوشبختانه اکثریت قریب به اتفاق تاکیاریان با استفاده از این امکانات مزارع خود را نجات دادند."

نامه مردم رضمن تشکر از حسن توجه مسئولین به خواستهای دهقانان، امید است که در آینده امکانات بسیاری مبارزه با بیماریها و شیوع آن در جبهه بیشتر گسترده تر در اختیار دهقانان قرار گیرد. اما امکانات آنان برای تولید هر چه فراوان تر محصولات و رسیدن به حد مقدر خودکفایی بیشتر گردد. این خود یکی از راههای درم شکستن توطئه های امپریالیسم آمریکاست.

بسیار از مردم در این منطقه از بیماری بلاست در مزارع خود رنج می بردند. این بیماری باعث کاهش تولید و در نتیجه فقر و گرسنگی می شد. مسئولان در این مورد هیچ اقدامی نکرده بودند. این نامه مردم به آنها اعتراض داشت.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلاب از زیر این بار نجات داد

راستین هواداران انقلاب ایران، و بهره گیری از همه امکانات کنی درجهان، یعنی از جبهه سروند ضد امپریالیستی مرکب از کشورهای سوسیالیستی، دولت ها و جنبش های ضد امپریالیستی "کنای مردم" و جنبش بیرونی کارگری کشورهای سرمایه داری.

در موردی که متولان کشور، که صادقانه خواستار استقلال همه جانبه میهن، از تسلط امپریالیسم همدان هستند، اندوختنی از تحریر کراسیا و در همین حال در دستک سردهای دیوان اخگر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدانش در داخل و خارج و با آرزوی برپا شدن بر پندارهای ناشی از افهام و نصورات و فرصتات غیرواقعی و مخدوش بیاوند از همه امکانات واقعی موجود برای تحکیم صفوف مبارزان راستین راه استقلال ملی، آزادی و سیرتف اجتماعی در درون کشور و دوستی و همکاری انقلابی با همه نیروهای دشمن امپریالیسم درجهان گامهای بزرگ و عملی بردارند، خواهند توانست سد غیرقابل عبوری در برابر توطئه های امپریالیستی ارتحامی بوجود آورند.

اسنادگی بی نظیر کوبا، جزیره آزادی، در طب امپراتوری امپریالیسم آمریکا برای همه جبهه های انقلابی "جهان سوم" سرودن درخشان است.

کوبای کوچک تنها از همین راه که گفته شده، یعنی از راه فتح و فتح قاطعانه ضد انقلاب و با نگاه های طغیانش (سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان زالوفت)، از راه ایجاد وحدت انقلابی میان همه نیروهای میهن دوست و ضد امپریالیست اعم از نیروهای مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی، از راه دوستی و گسترش همکاری همه جانبه با همه کشورها و جنبش های ضد امپریالیستی که آماده پشتیبانی سدید و بی شائبه به خلق کوبا بودند، توانست در مقابل همه دستهای امپریالیسم قدرتمند و تجاوز آمریکا و همدستانش فیرمانانه ایستادگی کند. انقلاب شکوهمند خود را پاسداری نماید، آن را تحکیم و گسترش بخشد و به سایر جنبش های انقلابی و رهایی بخش یاری برساند.

سرمه های آبر و جسم کبر دیگر از این فصل کشورها جبهه پاسداری خلق های عرب، یعنی سوره، الجزائر، لیبی و جمهوری دموکراتیک کنگو پیچی هستند که درست بر پایه سیاسی در یک به آنچه در بالا آورده شد (البته با تفاوت های ناشی از ویژگی های هر کشور) توانستند دستاوردهای انقلاب خود را دستگیر و توطئه های امپریالیسم آمریکا باساری و نگینداری نمایند.

نتیجه می گیریم:

۱- در هم شکست سریع دشمن توطئه امریکائی علیه انقلاب ایران، یعنی بیرون راندن سواروس عراقی از خاک ایران که وقعه روز همه میهن دوستان کشور است، تنها با تجزیه همه نیروهای راستین خواهان سازه، دوری جستن از هرگونه انحمارطی و خودنمایی، با ساختن کوه کردن دست خرابکاران و ستون پنجم آشکار و پنهانی امپریالیسم و ضد انقلاب در سازمان های دفاعی، در اقتصاد، در سلامت، بی در همه، مدافع های سرداجامی امکان پذیر است.

هرگونه انحمارطی، هرگونه میدان دادن به نفاق انگان، هرگونه چشم پوشی از فعالیت خرابکاران، سوری دفاعی خلق ما را ناتوان می سازد و بدینسان امکان می دهد که تجاوز خود را طواری بر کند و نیروهای دفاعی میهن ما را که برای جلوگیری از توطئه های فردا مورد احتیاج هستند، برساند.

۲- باید با در پیوند دربار، آن شرایطی فکر کرد که امپریالیسم و سرگردانگان

توانند جنگ فراسی طولانی را به میهن ما تبدیل کنند و با به میدان آوردن وابستگان در فارس و بلوچستان (همانطور که در ایران بچان غربی و کردستان عمل می کنند)، تجاوز عراق را با جبهه های جدیدی از جنگ در درون کشور تقویت نمایند و از این راه اقتصاد ما را با دشواری های سنگینی ناشی از محدود شدن تولید ملی درآمده نفت و امکانات ارزی و قطع شدن مهمی از خطوط مبادلات تجاری و نیروی دفاعی کشور را از راه به مصرف رساندن تجهیزات و مهمات موجود و زندگی کشور را از راه محدود ساختن منابع مهم سوخت و انرژی و غیره روبرو سازند.

با این دشواری ها نمی توان با شیوه های که تاکنون فعل شده است روبرو شد. باید این شیوه ها را مورد ارزیابی و بررسی متفادنه و تجدید نظر جدی و همه جانبه قرار داد و راه های عملی و نتیجه بخش را جانشین راه های ناکامی ساخت که تاکنون بی چون نتیجه دنبال شده است.

به عنوان سوه باید بلاخره این امید را از سر بیرون کرد که با کمک (۱) امپریالیسم فرانسه که کشتی های جنگی سفارشی ایران را (که با این که بولش را تا چند برابر قیمت واقعی وصول کرد) تحویل ندهد و ۱۴ میلیارد دلار به سرسان سودی می فروشد تا بهتر بتواند علیه انقلاب ایران در منطقه وارد میدان گردد، می توان علیه امپریالیسم آمریکا جنگید.

۳- پس از درهم شکستن توطئه دشمن آمریکا، توطئه "هفتم" این دشمن شماره یک، انقلاب ایران و همه محرومان جهان" با دانه های وسیع تر و تندتری به مراتب زیادتر وارد مرحله عمل خواهد گردید. این توطئه می تواند در این مرحله و بایستی از آن، به صورت تجاوز آشکار نیروهای امپریالیستی آمریکا باشد. همان طور که در ویتنام و کره عملی گردید.

باید از هم اکنون برای مقیم گذاشتن و در صورت آغاز با شکست روبرو کردن چنین توطئه های فکر کرد. برای این کار تجدید نظر سبب در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در جهت حکم همکاری و اتحاد انقلابی میان همه نیروهای راستین انقلاب مدامبراب استی و بر روی در درون کشور و گسترش همه جبهه همکاری و دوستی با همه کشورها و جنبش های راستین ضد امپریالیستی و در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جبهه پاسداری خلق های عرب ضرورت تاریخی پیدا می کند.

ایجاد پایه های نیرومند اجتماعی- اقتصادی مستلزم تجدید نظر بنیادی در سیاست های اقتصادی و اجتماعی انقلاب است. تسکیر انقلاب باید بطور روشن در جهت تاسس منابع آن طبقاتی اقتضای باشد که در خمیر و آمادان و امروز در درون باقی مانده و سرگردانها برای دفاع از میهن انقلابی جان خود را فدای می کند. نه در جهت منابع آن سرمایه داران و بزرگ مالکان مارکسی که با حساب های بانکی و جواهرات خود فرار کرده و میدان را برای خرابکاران خالی گذارده اند.

باید همان طور که امام خمینی در "فریاد پرورد" خود درباره سرکوت انقلاب بیان آورده، انقلاب مردمی را نمود آن طبقات دهها میلیون راعشیمان و کزبسان و با برمه ها، یعنی زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان و کارگران و مزارع غارتگری که در همس روزهای دشوار دفاع در برابر تجاوز با احتکار و گران کردن مایحتاج روزانه مردم بازم تیاردارها توانی از درآمد ناچیز و روه کاهش زحمتکشان می بردند، به معنای واقعی خود پناهه کرد. ایست بر انقلاب هایی که سوانسند در برابر همه دشمنان جسمی امپریالیست ها دستاوردهای خود را بکفدارند و آن را گسترش دهند و امپریالیسم را مجبور به رعایت استقلال و حاکمیت خود سازند.

تاریخ دیوان اخیر انقلاب سکومند ما سنان می دهد که تقریباً همه اروپایی های حزب ما، از آن جا که بر پایه برداشت علمی و واقع بینانه استوار بوده اند، با دقت بی نظیری درست فکر کرده اند. اسدوارم متولان جمهوری اسلامی به این واقعیت تاریخی توجه لازم را مدول دارند.

دهقانان!
بیل شما
سوزهای
و پدر شما
گلوله ایست
به
قلب دشمن.
شخم بزنید،
بکارید،
تولید کنید،
تا امریکای
جنایتکار
را
در هم
شکنید!

اگر «سالت ۲» امضاء شود، هم بسود صلح جهانی است، هم بسود انقلاب خلقها

نامه مردم، نزد مردم

بقیه از صفحه ۱

نامه مردم، بشهادت ۳۶۶ شماره‌ای که از اسفند ماه ۱۳۵۷ تا مرداد ۱۳۵۹ - پابرجاورداری از شرایط مساعد زائیده انقلاب بزرگ ما برهبری امام خمینی - منتشر ساخته است، پشتیبان وفادار انقلاب و حامی صدیق کلیه تدابیر و اقدامات انقلابی از گانه‌های جمهوری اسلامی ایران بوده و نقش قابل توجه و مؤثری در روشنگری و آگاه‌ساختن و بسیج و تشکل مردم در حمایت از انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران داشته است.

نامه مردم، با پیروی از مثنی اصولی وحدت‌طلبانه حزب توده ایران، در مبارزه بخاطر اتحاد همه نیروهای انقلابی زیر رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب و پیشنگذار جمهوری اسلامی ایران، پیگیرانه از خط امام، و از همه مسئولان متعهدی که مرجعان صدیق این خط بوده‌اند، پشتیبانی کرده و اقدامات و تدابیری را که مغایر با این خط و منافع انقلاب بزرگ ما و تقویت‌کننده جمهوری اسلامی ایران میدانست، افشا کرده است. این وظیفه انقلابی ما بوده و هست و ما آنرا با اقتضای انجام داده و میدهیم.

نامه مردم، بشهادت صفحات خویش به نیردی برامان علیه امپریالیسم آمریکا و شبکه ضدانقلابی عمال آن در درون و بیرون کشور پرداخته و باطنیاری بسیاری از توطئه‌های خطرناک و شیطانی آنها، سهم شایسته خویش را در دفاع مؤثر و عملی از جمهوری اسلامی ایران ادا کرده است. همدان‌های حزب ما، که در صفحات نامه مردم، انعکاس مینایف و همکارهای نیربخش انجام شده، بگواهی مسئولان آگاه، فریاد غیرقابل انکاری بر توطئه‌های ضدانقلابی و نقشه‌های کودتایی و تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا وارسانخته است. این جنبه از کار ما، برای هر روزنامه متعهد و انقلابی، میتواند اقتضای آفرین باشد.

نامه مردم، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، طرح‌ها و پیشنهادها و راه‌حل‌های عملی و مشخص را بمنظور بازسازی کشور و شرکت درجهداد عملی که مردم زحمتکش ما برای سازندگی مبین انقلاب خود آغاز کرده‌اند، ارائه کرده است. این روزنامه همواره بر برخوردی سالم، سازنده و اصولی بسود انقلاب و پیشبرد آن، بسود تحکیم جمهوری اسلامی ایران و حل مشکلات و معضلات موجود، بسود تمام مردم زحمتکش ایران داشته است.

نامه مردم، بر اساس این نونهادهای برجسته این برخورد، که برای هر روزنامه سیاسی جدی و انقلابی مایه سربلندی است، بشهادت صفحات خود، ماهها قبل از شروع تجاوز آشکار داروسدی چنانکه صدام حسین، سیاست‌تکمونک بشی عراق را در اجری توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب فاش ساخت و اقدامات آرا علیه جمهوری اسلامی ایران پشنامه بخشی از نقشه وسیع آمریکا علیه مبین انقلاب ما، از زبانی و افشا کرد.

پس از شروع تجاوز و شتیانه داروسده صدام حسین به ایران، نامه مردم، وظیفه انقلابی و مینشی خود را در جهت اجرای رهنمودهای امام خمینی و تصمیمات مقامات مسئول درونی، برای بسیج مردم در دفاع از جمهوری اسلامی ایران، زیرفرمان از گانه‌های مسئول و نهادهای انقلابی مربوطه انجام رسانده، نامه مردم، می‌تواند بخود پیالده که این وظیفه سنگین و حساس انقلابی و مینشی را با شایستگی انجام داده و در آینده نیز انجام خواهد داد.

خوبیستخانه مسئولان متعهد و انقلابی بخوشی بره‌روند که از عزم انتداری روزنامه‌ای که چنین نقش‌فالی را در جامعه انقلابی ما ایفا میکند، مسلماً انقلاب ما و ام شیای اتحاد نیروهای انقلابی بسویوجه بشودی نخواهند برد.

در شرایط بسیار حساس تجاوز امریکائی صدام و تشدید خطی توطئه‌های امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، انتشار مجدد نامه مردم، با آن نقش مؤثری که در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایفا کرده و میکند، برای مردم شادی‌آفرین است.

مسئولان و صلاح و انقلابی، با اطلاع که از نقش‌میت و ارزنده نامه مردم، و از همکارهای نیربخش ما در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، با صدور اجازه‌برای انتشار مجدد نامه مردم، گتم میمی بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برداشته‌اند.

درواقع کره خاکی ما با ایباری از مرگ در پرواز است و با انواع اکتشافات و اختراعات جدید، هر سال بر مقدار این بار افزوده میشود. این وضع مخاطرات عظیمی برای نوع بشر می‌آورد و این مخاطرات قیاز، هرچیز در خطر آماجی بشر (در صورت وقوع جنگ جهانی جدید) نهبته است. در ضمن، سابقه تسلیحاتی کار دنیا را بچائی می‌کشاند که توده‌های مردم جهان هر سال باید مقدار بیشتری از درآمد خود را صرف این سابقه کنند و خود در محرومیت بسر برند. سود این سابقه تسلیحاتی به جیب انصارات امپریالیستی و مجتمع‌های نظامی و صنعتی آمریکا و هم‌مستانش می‌رود.

در چنین وضعی چه باید کرد؟ جنگ افروزان امپریالیستی، برسدمداری جناح جنگ‌طلب آمریکا و دیوانگان چون پرژینسکی و کارتر می‌کشوند بدینا بقولانده، نه خیر، جنگ، آشور که کوشیستبا می‌کشوند، و دستخاک نبراهد بود وحشی می‌توان با بسب نورتونی حفظ زندگیها را معرکه و یا می‌توان «جنگ اقس‌منطقه‌ای» راه انداخت، بدون اینکه جنگ جهانی اتسی منجر شود!

ماوتیستبام سالها تبلیغ کرده‌ایم اگر بر آنی جنگ اتسی نیسی از بنبریت هم از بین برود، اشکالی ندارد، چون بشر دوی ویرانه های جنگ اتسی می‌توان دویای سکوتاری ساخت!

ولی همه نیروهای انقلابی و صلح‌بوست جهان و در صف اول آنها کشورهای سوسیالیستی، چنین کمونیستی و کارگری جهانی، جنبشهای رهائی‌بخش ملی، کنترولی مستقل صدام‌برالیستی نبضت عظیم جهانی دفاع از صلح این ترهات جفدهای جنگ را رد می‌کنند و همه بشر را به نیرد در راه حفظ صلح جهانی و مبارزه برای حفظ بقای خود فرمایخوانند. در این جنبش عظیم جهانی بیرون همه جهان‌پویان، همه ادیان و مذاهب، همه بزاده‌ها و قومها، همه قاره‌ها و اقلیها شرکت دارند.

با فشار این جنبش بزرگ جهانی و بویژه تحت فشار قدرت مادی و منوی جهان سوسیالیسم، امپریالیسم جنگ‌افروز به‌سیاری عقبنشینی‌های مهم بسپور گشته است. از آنجمله است امضای «سالت ۲» میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا. و طبق توافق که قبلا شده، باید رفته بواقف‌نامه صلح سالت انجام یابد. ولی از آنجمله که سالت ۲ طرح شده، آمریکا به پنهان‌های گوناگون از امضای آن سر باز زد. حال اگر امپریالیسم آمریکا مجبور شده است درباره امضای سالت ۲، دوباره با اتحاد شوروی به گفتگو بنشیند، ما هم باید در صف همه خلقهای صلح‌بوست دنیا خرسند باشیم که انسان زورش به شیطان هم میرسد. و اگر انقلاب بزرگ ما، با فریادی که بویژه بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد ساخته، به این کار - یعنی به کشاندن جنگ‌افروزان آمریکائی به پشت میز مذاکره سالت - کمک کرده، این باید مایه افتخار خلق رشید و نیروهای و انسان‌بوست ما باشد.

مبار کردن جنگ‌افروزان امپریالیست جهانی است بوقیسی، که سود حاصله از آن عاید همه خلقهای خراسر جهان خواهد شد. یعنی نباید خیال کرد که سود حاصل از سالت ۲ و یا سالت ۳ و یا بواقف‌نامه‌های دیگر از این قبیل، فقط به جیب شوروی و کمونیستیها می‌رود. ما باید از وجود قدرت عظیمی چون سوسیالیسم جهانی - خوشحال باشیم که می‌تواند، با پشتیبانی همه مردم جهان، محافل و نیروهای مترقب را مهار سازد و بشر را از خطر سوختن در جهنم اتسی حفظ کند.

فصلی باید دانست که قراردادهای صلح جنگ و از جمله قرار دادهای سیستم سالت، شرایط بین‌المللی را برای پیروزی انقلابی رهائی‌بخش بر امپریالیسم جهانی هرچه مساعدتر میسازد بدین دلیل، روشن که بر امپریالیسم مهر میزند.

پلک آن تصور کنید که، در کنزین جدید کارتر آمخوار درباره «مجاز بودن جنگ اتسی منطقه‌ای» بکرمی بنشیند. و در منطقه ما یک چنین جنگی درگیرند. چه چیزی از خلقهای منطقه ما باقی خواهد ماند؟ چگونه می‌توان جنگ اتسی را در چارچوب «منطقه» محدود ساخت؟ ما باید بتوانیم واقفیت‌های دوران خود را، آنچه‌ناله هست، به‌تخصیص دهم و اوزش اختراعات انقلاب بزرگ خود را بدرستی به‌بیشی نباید به یاور کردن به افسانه دروغین ارسال اسلحه شوروی به عراق و تصور دست برداشتن آمریکا از انقلاب افغانستان، و یا افتادن در دام توری بوج سازش در ایردردت، خود را برخلذواقعه، در موضعی قرار دهم که گویا ایران انقلابی معنای مبارزه در راه صلح جهانی را درک نمی‌کند.

در تحلیلها و اظهاراتی که بنسبیت تجاوز رژیم چائیکار صدام علیه کشور ما، از جوانب مختلف عنوان میشود، انسان‌افراسال سلاح از شوروی برای رژیم صدام از جانب برخی محافل همچنان تکرار می‌شود. از جمله گفته میشود که گویا «درب‌تخته» اختلافات مربوطه را حل کرده و با امام «متحد و هماهنگ» شده‌اند. بطوریکه در مقابل حمل سلاح روسی برای عراق، آمریکا هم «حضور شوروی در افغانستان را پذیرفته» و لذا برای مذاکرات سالت - ۲ با شوروی پیشگو نشده است.

نخستین مورد از اینست که: در حالیکه حتی خود دولت عراق، افسانه دروغین ارسال سلاح از شوروی برای ما رسماً تکذیب کرده، در حالیکه اینک آشکار شده‌است که این افسانه ساخته‌وپرداخته خبرگزاریهای امپریالیستی - سوسیالیستی است؛ در حالیکه بسیاری از مقامات کشور ما هم رسماً گفته‌اند که برای اثبات فرستاده شدن سلاح از شوروی برای عراق دلیل‌درد دست ندارند. در چنین حالی، این همه اصرار در تکرار این افسانه برای چیست؟ اگر دلایلی و مدارک در دست هست، باید بصراحت گفته شود، تا مردم ایران هم بدانند. اگر دلایلی در دست نیست، بسویوجه مجاز نیست که ببیدلیلی بچنین اتهام ناروا مرتباً تکرار کرده، زیرا که اولاً سرازار پایتخته و یا فرد انقلابی نیست که ببیدلیلی علیه کسی اعلام جرم کند، که این دیگر اعلام جرم نیست و افتراست. و لایلاً افترا و خلذواقعه گفتن در همه سالت انقلابی جزو محاسنی است و آدم مومن به سالت خود، باید از آن برهین کند.

دومین تسبب ما از این سؤال ناشی میشود که: بچه دلیل گمان می‌کنند که آمریکا حضور شوروی در افغانستان را پذیرفته؟ مگر تحمیر امپریالیسم علیه شوروی چگونه شده؟ مگر آمریکا و نهائی از تجاوز و مداخله در امور داخلی افغانستان دست کشیده‌اند؟ مگر چندی پیش آمریکا بوجه جدید کمک به «مجاهدان» انقلابی را در جزو اطلاعاتی واره به رژیم غیاب‌الحق تسبیب نکرده؟ مگر ۳۳ پایگاه ریکارتری ضد انقلابیون افغانی در پاکستان، که با پول ز اسلحه آمریکائی ایجاد شده، برچیده شده؟ مگر...

حقیقت امر اینست که لشوروی برای عراق اسلحه می‌فرستد و نه آمریکا با انقلاب افغانستان آتش کرده است. و توافق آمریکا برای مذاکره درباره سالت ۲، نیز نه به جنگ ایران و عراق مربوط است و نه علامت «اتحاد و هماهنگی» میان «درب‌تخته» است. سالت ۲ - مسئله‌ایست که با سرنوشت صلح جهان و بود و نابودی بشر، و از جمله خلق خود ما، ارتباط مستقیم دارد.

صلح‌ت، خلاصه عیاری است و ترجمه فارسی این عبارت چنین است: «مذاکره برای محدودساختن سلاحهای تهاجمی استراتژیکی». این مسئله در سیاست جهانی ریشه‌های تاریخی دارد. در جنگ جهانی اول، استعمال گاز سمی بعنوان اسلحه جنگی قذف گردید و این منع در آن جنگ، از ایجاد امعای انسانها تا حدود زیادی کم کرد.

در جنگ دوم جهانی استعمال سلاحهای شیمیایی (از آنجمله گاز سمی) و باکتروبیولوژی قذف شد، و مگرچه قانیستیهای حیثی‌یابنچار آرا نقش کرده، ولی بطور کلی چنین سلاح‌های بکار برده نشدند. این از ایجاد کشنار انسانی بمقدار فراوانی کاست.

و اکنون، علاوه بر سلاح‌هایی که در جنگ گذشته استعمال آنها قذف بوده، بشریت صلح‌بوست و ترقی میکوشد - تا آنچه که می‌تواند - از ایجاد گسترش و امکان استعمال سلاح‌های امعای جسمی جدید، که در ده‌های اخیر اختراع شده، نیز بکاهد. کشورهای سوسیالیستی جهان و در پیشانی همه آنها اتحاد شوروی، برچمدار این مبارزه انسان‌دوستانه، صلح‌جویانه و پرافتخار است.

برای بی‌بردن به اهمیت این موضوع کافی است بگوئیم که ذخیره سلاح‌های اتسی موجود در جهان، امروز کافی است تا با آن بارها و بارها سراسر جهان ویران شود. فقط یک بمب صدگاتنی هیدروژنی کافی است تا مثلاً درجالی بوسمت جزیره بریتانیا اثری از حیات باقی نماند. بمب نورتونی این خاستی را دارد که، از انسان تا مورچه، همه زندها را می‌کشد، ولی همه غیرزنده‌ها را، چنانکه هست، باقی میگذارد. اسلحه لیزر می‌تواند زمین و آسمان را بسوزاند. انواع زیر دریایی اتسی، موشکهای قاره‌یما، هواپیماها و دهها نوع سلاح دیگر از این قبیل و سلاح‌هایی که وجود آنها اعلام نگردیده است، وجود دارد.

بدینال بازگشت یونان به جناح نظامی پیمان ناتو موجی از اعتراض و مخالفت شهرهای یونان را فرا گرفت. حزب کمونیست یونان پس از این اقدام هیئت حاکمه یونان، با صدور اعلامیه‌ای اعلام کرد:

خلق این کشور مصمم است. قاطعانه به مبارزه در راه استقلال و یونانی فارغ از هر گونه پایگاه خارجی و ادامه دهد. اجزای مخالف دولت یونان با انتشار بیانه‌هایی اعلام کرده‌اند که در برابر تصمیم دولت ساکت نخواهند نشست. حزب کمونیست در نظاریه‌های اعلام کرد که یونان نباید به ماجراجوییهای امپریالیسم آمریکا کشانده شود. حزب کمونیست یونان اعلام کرد که خلق این کشور مصمم است قاطعانه به مبارزه در راه استقلال و آزادی و یونانی که فارغ از هر گونه پایگاه خارجی باشد، ادامه دهد.

دیس تصمیم دولت یونان منبیر کشاندن دوباره این کشور به جناح نظامی پیمان ناتو، موج تظاهرات مخالفت‌آمیز شهرهای این کشور، بویژه آتن و سالیونیک را فرا گرفته است. در شهرهای یونان هزاران نفر به خیابانها ریخته‌اند و علمایین تصمیم کشور بر اباده هیئت حاکمه یونان اعتراض میکنند. مردم فریاد می‌زنند: «توطئه علیه خلق یونان را متوقف کنید، یونان باید از ناتو خارج بشود» «پایگاههای امریکائی باید برچیده شوند».

بمناسبت ۲۶مین سالگرد ننگین تحمیل قرارداد باطل کنسرسیوم بین‌المللی نفت به ایران

دست خرابکار امپریالیسم غارتگر نفتی علیه ایران این بار از آستین صدام جنایتکار درآمد

روز چهارشنبه هشتم آبان ماه، ۲۶ سال از تاریخ انعقاد و یا صحیحتر گفته شود، تحمیل قرارداد باطل کنسرسیوم بین‌المللی نفت به کشور ما ایران گذشت.

هفتم آبان ۱۳۳۳ - یکسال و دو ماه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد - و در پی اصرار فشارهای گوناگون بیجه طلیقات و اقتدار مرد ایران، منجمله اهدای سهمی ایران عضو حزب توده ایران، قرارداد باطل کنسرسیوم بین‌المللی نفت از سوی پنهان‌گزارنده شد، بدین ترتیب سیستریوم نفت کودتای امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد، که استقرار مجدد تسلط سرمایه‌های غارتگر انحصارات امپریالیستی بر نفت ایران بود، از قوه یتیم درآمد.

قرارداد ننگین کنسرسیوم بین‌المللی نفت ذخایر غنی و عظیم نفت ایران را، که بهنگام ملی‌شدن از صاحب و غارت شرکت انگلیسی نفت نجات داده شده بود، برای ۴۰ سال دیگر بلاذیت و شرط تسلیم کنسرسیوم بین‌المللی نفت کرد. در این کنسرسیوم، اعضاء کارتل بین‌المللی نفت، مرکب از پنج شرکت عمده نفتی آمریکا، شرکت نفتی شل، شرکت غاسب انگلیس، شرکت نفت فرانسوی نفت به ترتیب ۴۰، ۱۴، ۱۶ و ۲۶ درصد سهام را بین خود تقسیم کردند. این نوع تقسیم سهام کنسرسیوم بین‌المللی نفت در واقع پاداش دول امپریالیستی شرکت‌کننده در کودتای علیه دولت ملی و قانونی دکتر مصدق بود. هر یک از دول امپریالیستی، به نسبت شرکتی که در کودتا و مخالفت با جنبش ملی‌شدن نفت داشت، از غارت مجدد ذخایر نفت ایران سهم گرفت. همین‌طور تقسیم سهام به درستی نشان‌دهنده که دول امپریالیستی، آموخته‌ی نیز مانده امروز، دست در دست هم علیه جنبش ملی‌شدن نفت ایران عمل

می‌کردند و کودتای امپریالیستی - ارتجاعی را تدارک دیدند. کنسرسیوم بین‌المللی نفت با استقرار تسلط غارتگرانه خود بر نفت ایران به صورت عظیم‌ترین اتحادیه انحصاری وابسته به کارتل بین‌المللی نفت درآمد. طی ۲۴ سال تسلط خود، این هیولای امپریالیستی نزدیک به ۴ میلیارد دلار ذخایر نفت کشور ما را با بیانی کشتن از یک دلار در بشکه غارت کرد. افسانه‌های ترس‌ناک درآمدهای مسکن و انحصارات عمده نفتی و دول امپریالیستی نبود، غارت و حطینه‌زخانی نفتی ایران در دوران ربع قرن پس از کودتا از عوامل مهم پیشرفت‌های صنعتی دول امپریالیستی، مخصوص در زمینه صنایع پتروشیمی، شیمیایی و فروش فرآورده‌های نفتی بشمار می‌رود.

ولی دول امپریالیستی، بویژه آمریکا و انگلیس، که ۸۰ درصد سهام کنسرسیوم متعلق به انحصارات نفتی آنها بود، تنها به غارت ذخایر نفت ایران قانع نبودند. آنها حتی همان درآمد ناچیزی را، که بابت قیمت نفت به ایران پرداخت می‌کردند، مجدداً درازا تحمیل کرده‌های سنگین نظامی و فروش کالاهای مصرفی بجز از خزانه ایران بیرون می‌کشیدند. درآمد نفت به وسیله دول امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکایی، در کشور ما به منظور تقویت مواضع رژیم مستعبدانه پلیسی-محمدرضا، جلوگیری از رشد سالم اقتصادی کشور، تیدول ایران به کنشوری از هر جهت وابسته به دول امپریالیستی و محروم از استقلاله آزادی و دیکراسی مورد استفاده قرار گرفت. نفت، که بدرستی به عنوان معنای

سیاه مشهور است، در دست دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر آن به بالای سیاه برای ایران تبدیل شد. مردم ایران در تمام سالهای تسلط کنسرسیوم به مبارزه علیه این هیولای غارتگر امپریالیستی ادامه دادند و بالاخره با پیروزی انقلاب در راه مسون داشتن ذخایر و صنایع نفت خود از غارت انحصارات نفتی و استفاده از آن بسود استقلاله آزادی و پیشرفت اجتماعی گام گذاشتند. صنایع نفت ایران مرکب از تأسیسات عظیم صنعتی نظیر پالایشگاه آبادان و کادر کارگری و مهندسی صنعت نفت ایران، که به قیمت هفتاد سال غارت و محرومیت نصیب کشور ما گردید، پس از پیروزی انقلاب، منواست به عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی مورد استفاده قرار گیرد. بر مبنای این صنایع، انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در بدو به پیروزیهای سریعی در پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی ناظر آمد.

اما دول امپریالیستی و انحصارات نفتی غارتگر، از قبل برای محروم ساختن مردم ایران از استفاده از صنایع نفت در دوران پس از پیروزی انقلاب تدارک دیده بودند. این تدارک همین جنگ رازانه‌های است که امروز به افروزی دول امپریالیستی و کارتل بین‌المللی نفت و با دست جنایتکار صدام حسین تکریتی به کشور ما تحمیل شده و انهدام صنایع نفت ایران یکی از هدفهای عمده و اساسی آنست.

همچنان که مزدوران تجاوز پیش‌عراق بطور عمده بر پالایشگاهها و مراکز نفتی کشور ما فرود می‌ریزند، مراکز مهم نفتی کشور با تجاوز جنایتکاران صدامی به

خاک و خون کشانده شده و به انهدام تهدید شده و می‌شوند، گما چه کسی است که نداند این دست خرابکار امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم که از آستین صدام حسین علیه کشور ما و به منظور محروم ساختن مردم انقلابی ایران از استفاده از صنایع نفت خودید آمده است.

آری دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی آنان تا وقتی ذخایر نفت ما را به تن بخش غارت می‌کردند، صنایع نفت ایران را هر چه شکستگرت می‌ساختند، آنها سعی می‌کردند تا سدوزنفته‌ی خارج به مقیاس‌های عظیم دیوار بکنند. میسر گردید. دول امپریالیستی در آن ایام صنایع نفت ما را با آخرین تکنیک‌سنگین مجیز می‌ساختند، تا هر چه ممکن است ذخایر نفت ایران را سرپوش و از غارت و تصاحب کنند. اما امروزه امروز که ما به برکت پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود به استقلال نائل آمده‌ایم و می‌خواهیم مستقل از ذخایر و صنایع نفت کشورمان استفاده کنیم، همان وسائل و تجهیزات را با بی‌مباراهای هوایی محو و نابود می‌سازند و حتی چنان نفت‌گران ایرانی و زنان و کودکان آنها نیز رحم نمی‌کنند.

جلادان صدامی خود را عامل امپریالیسم و انحصارات نفتی نمی‌دانند، اما چه کسی میتواند این واقیبت را انکار کند که آنها کاری را انجام داده‌وی- دهند که حتی خود دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان قدرت و جرات انجام آنرا نداشتند؟

مردم ایران این حمایت عظیم تاریخی را هیچگاه به امپریالیسم جهانی و دواص آن آمریکای جنایتکار نخواهند بخشید که، همین که پس از هفتاد سال خواستند از صنایع نفت خود بسود خود استفاده کنند، چنانخواهران امپریالیستی توطئه انهدام این صنایع را به دست مزدوران صدامی فرام آورند.

امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی آن، انحصارات امپریالیستی و در رأس آن‌ها کارتل بین‌المللی نفت تصور می‌کنند که با جنایت و تجاوز نظامی علیه انقلاب و جبهه‌ی اسلامی ایران، مجدداً زمینه بازگشت تسلط خود به ایران و دست‌رسی به غارت ذخایر نفت ایران را فراهم آورده‌اند. اما زخم خیال باطل، مردم ایران بیش از هفتاد سال نتایج تسلط مرگبار امپریالیسم نفتی را بر کشور خود استحسان کرده‌اند و از این تسلط جز فقر، عقب‌ماندگی، غارت، استثمار و محرومیت از استقلال و آزادی نتیجه دیگری به دست نیامده‌اند. ممکن نیست با چنین نتایجی باز دیگس امپریالیسم جنایتکار و انحصارات غارتگر نفتی آن بتوانند برای ایران انقلابی مسلط شوند. نه جنگ رازانه مزدوران صدامی و نه حتی توطئه‌های و قیامه‌ی امپریالیسم آمریکا قادر نیست مردم ایران را از ادامه مبارزه بغایت خشن ساختن همه این توطئه‌ها، تثبیت پیروزیهای انقلاب و استفاده مستقل از ذخایر و صنایع نفت، به منظور ایجاد ایرانی آزاد و آبادار، دارد. سلطه انحصارات امپریالیستی نفت هیچگاه برای ایران تکرار نخواهد شد. این یکی از هدفهای والا می‌است که امروز مردم ایران در راه آن سر می‌دهند و با خون خود برای برپه‌برداری مستقل از ذخایر و صنایع نفت خود عهد و پیمان می‌بندند.

محمود عباس رئیس انجمن دوستی فلسطین و شوروی: خلق فلسطین اتحاد شوروی را شریک وفادار خود در مبارزه برای کسب آزادی می‌داند

پس دوستی اتحاد شوروی با خلق فلسطین دوستی استقامتی و در آزمایشی زمان سر بلند بیرون آمده است.

محمود عباس رئیس انجمن دوستی فلسطین و شوروی، در مقاله‌ای در روزنامه اسرائیلی می‌نویسد: «آمریکا تلاش دارد هر طری را که هدف آن ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی باشد، خنثی کند» محمود عباس در این مقاله ضمن بررسی مسئله باصلاح خود-مختاری فلسطینی‌ها، تأکید می‌کند که امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و رژیم مسر دربار باصلاح خود مختاری فلسطینی‌ها صحبت می‌کنند، ولی در این باصلاح‌ها مذاکرات خلق فلسطین شرکت نندارد. در صورتی که تنها خود فلسطینی‌ها هستند که حق دارند سر نوشت خود را تعیین کنند.

محمود عباس تأکید می‌کند که هدف آمریکا فرقه هر چه بیشتر میان اعراب است، بطوریکه اعراب انرژی و توان خود را بپدر دهند و مسائل اساسی، یعنی مسائل فلسطینی‌ها را از نظر دور دارند. محمود عباس می‌افزاید که خلق فلسطین در مبارزه برای آزادی و استقلال البته با مشکلات زیادی روبرو است، اما به پیروزی‌های نهایی امید دارد. محمود عباس گفت که خلق فلسطین اتحاد شوروی را شریک وفادار خود در این مبارزه می‌داند. محمود عباس تأکید می‌کند که دوستی فلسطین و شوروی از سنت‌های قدیمی برخوردار است. این دوستی از آزمایشی زمان سر بلند بیرون آمده و بر اساس موضوع اصول اتحاد شوروی در مورد حمایت از حقوق فلسطینی‌ها استوار است.

تحریکات و تجاوزات چین علیه ویتنام ادامه دارد

روزنامه نیان‌دان چاپ هانوی می‌نویسد که تحریکات چین علیه ویتنام همچنان ادامه دارد. در روزهای گذشته واحدهای نظامی چین از جمله سه ایالت مرکزی ویتنام را مورد تجاوز قرار داده‌اند. در نتیجه تجاوزات، عمدتاً زیادی غیرنظامی کشته و مجروح شده و خسارات مالی شدیدی وارد گردیده است.



کمونیست‌های لهستان میتوانند مسائل کشور را حل کنند

روزنامه بریویناوردو، ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لهستان اعلام کرد که مذاکرات استانبول کاتیا و بیوزنکوئسکی و هجران لهستان با لئوید برژنف و تیخونوف رهبران اتحاد شوروی، نشان‌دهنده اهمیت حیاتی روابط و اتحاد متقابل دو کشور است. این روزنامه نوشت که وحدت نظر دو کشور در شرایطی که حزب متحد کاتگری در تلاش برای عادی کردن اوضاع لهستان است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

بریویناوردو تأکید کرد که لئوید برژنف ابراز اطمینان کرده است که کمونیست‌های لهستان میتوانند مسائل کشور را حل کنند.

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان سیاست‌های انزایش تشنج و استقرار موشک‌های هسته‌ای در اروپای غربی از سوی آمریکا را محکوم کردند

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان در هتت خلع سلاح، که به ابتکار سازمان ملل و شوروی جهانی صلح برپا شده بوده، شرکت کردند. در اروپای غربی گروه‌های بزرگ اتحاد کردند. ضمن دفاع از آرمان تشنج‌زدایی، اقدام‌های آمریکا را در جهت افزایش تشنج و استقرار موشک‌های هسته‌ای در چند کشور اروپای غربی محکوم کردند. از جمله در لندن ظاهر اتحادیه‌زائرین علیه انزایش سابقه‌تسلح‌ها بر گزار شد. در زاین قناهر کنندگان اعلام کردند که این کشور نباید دست به تولید سلاح هسته‌ای بزند و یا سلاح هسته‌ای در خاک کشور مستقر شود. در آسیا و افریقا قناهر کنندگان خواستار اعلام اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح شدند و افزایش تحریکات نظامی در این اقیانوس را بوسیله قدرتهای امپریالیستی قلمناحه محکوم کردند.

منگیتسو هایله ماریام پس از پایان مذاکرات خود پاره‌هیران اتحاد شوروی اعلام کرد: اتحاد شوروی و اتیوپی در مبارزه در راه صلح، دیکراسی و آزادی متحد یکدیگرند

مذاکرات رسمی منگیتسو هایله ماریام رهبر اتیوپی، با رهبران اتحاد شوروی، در مسکو پایان یافت. در این مذاکرات مسائل مختلف جهانی و روابط دو کشور مورد بحث قرار گرفت و دو جانبه گسترش روابط دو جانبه تصمیم‌هایی اتخاذ شد. منگیتسو هایله ماریام در یک سخنرانی در اتحاد شوروی گفت که خلق اتیوپی، اتحاد شوروی را الگویی سازخامن‌ز زندگی نوین میدانند. منگیتسو هایله ماریام یادآور شد که اتحاد شوروی و اتیوپی در مبارزه انقلابی در راه صلح، آزادی و دیکراسی با یکدیگر متحد هستند.

لائوس و مفلوستان سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چین را محکوم کردند

در پی دیوار سروانانوک، زخم لائوس، از مفلوستان، دو کشور در نیایه مشترک سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و برتری‌طلبان چین را عامل اصلی تشنج در جنوب شرقی آسیا و در جهان اعلام کردند و این سیاست را شدیداً محکوم ساختند. مفلوستان و لائوس حمایت خود را از پیشنهادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در زمینه خلع سلاح و تشنج‌زدایی اعلام کردند.

کمک نظامی چین به پاکستان بر ضد افغانستان

روزنامه پاتریوت چاپ هند می‌نویسد که، چندی پیش شیخالق دیکتاتور سرسره پاکستان، با گروهی از مقامهای نظامی برجسته چین در اسلام‌آباد ملاقات کرده است. در این ملاقات افزایش کمک نظامی چین به پاکستان، در ارتباط با فعالیت‌های خرابکارانه رژیم مستعبدانه پاکستان علیه افغانستان و هند مورد بحث قرار گرفته است. این روزنامه از سوی دیگر می‌نویسد که در چند روز گذشته هواپیماهای چینی و پاکستانی به حریم هوایی هند تجاوز کرده‌اند.

شعار تظاهرات میلیونی..

پایه از صفحه ۱
 ۱۳ آبان ۱۳۵۹: آمریکا رهبر انقلاب را تبعید می کند
 ۱۳ آبان ۱۳۵۹: دانشجویان آمریکایی خیابانهای تهران را از خون دانش آموزان رنگ مینهند
 ۱۳ آبان ۱۳۵۹: دانشجویان مسلمان بیروخط امام لانه جاسوسی را فتح می کنند.

۱۳ آبان ۱۳۵۹: ۹ صبح در بزرگ لانه جاسوسی باز میشود. از این در شوم، که ۳۵ سال جلدان خلق ایران را پذیرفته است، خیل عظیم توده ها بداخل لانه جاسوسی سرریز می کند. نرها یکی است سرها یکی است، بازو در بازو، این خلق قهرمان است که به کشتارگاه خویش پرورش میدهد، دهانها یکی است:

- هرگ بر آمریکا
- هرگ بر آمریکا
- هرگ بر آمریکا

دقایق بعد، جمعیت در لانه جاسوسی موج می خورد. خلق در کشتارگاه ۲۵ ساله خویش پراکنده میشود. بیروار دانشجویان مسلمان بیروخط امام فریاد خلق را تکرار می کنند:

- هرگ بر آمریکا
- هرگ بر آمریکا
- هرگ بر آمریکا

شکلان بزرگ آمریکا است!

جمعیت به دیوارهایی که آجر آجر آن از خون خلق رنگ گرفته است، نزدیک میشود. بیروار نوشته اند، سنگ سنگ این بنا از خون جوانان ایران رنگ گرفته است. جمعیت لطمه ای نمی کشد. تاریخ جنایات امپریالیسم آمریکا که از پشت این دیوارها هدایت میشود، در پیش چشمها ورق می خورد. آنکه خشم خلق نثار آمریکا میشود، پیرزنان چادری بر دیوارها نفس اندازند، کارگران با مشت های گره گره بر دیوار می کوبند، کسی فریاد مینهد:

- هرگ بر آمریکا
- صداهای دردم گرم میخورد و سیل توانای خلق در کشتارگاه سرریز می کند.

در خیابانها خروش خلق پایانی ندارد. در خیابانها جمعیت موج می خورد. ظریف ترین رامپنای بند از پیروزی انقلاب برپا شده است. فریاد هرگ بر آمریکا لخته های قلعه میسوزد.

از چهارسوی شوس خلق به لانه جاسوسی سرریز می کند. رنگان را بپه های جوادیه به بند کشیده اند و می آورند. رنگان هایل خیل می دهد. جمعیت خویش می کشد. رنگان تنگتر را به جانب خلق می گرد. خلق فریاد مینهد: هرگ بر آمریکا! کارگر یا بچه های یاقتی آباد باز زده اند و می کشند. از زندانهای پلیس خون می چکد. غمناک از روی می آورند، از زانه از کشتارگاه ۱۷ شهریور، عموها پیشانی سر راه امپریالیسم را می کشند و در چهارطرف سرش سر می پاره اند خواب چاههای نفت را می بینند. آنطرفی دارند پرچم آمریکا را آتش مینهند. در ایستوی کارگر رانها می کشند. صف تازه ای می آید. لیسان دانش آموزان دخترانه، پاهای کوبان فریاد مینهند:

- صداهای دردم گرم تپه کافر کافر رنگت یاد!
- صف بند، جوانان جنوب تهران هستند، بر شاهانه های مسلسل ها را حایل کرده اند. بعد از مراسم راه جبهه اند، این بانگ توانای آنهاست:

- صداهای دردم گرم تپه کافر کافر رنگت یاد!
- صف بندی از راه میرسد. دختران شرق تهران آمده اند.

بر شاهانه های ارمک خود تصویر امام خمینی را درخته اند. فریاد مینهند:

- روح من خمینی، عمر من خمینی!
- آنکه است:

آمریکا دشمن، سادات مزدور، صداهای خالی صف در صف می آیند، اینجا از امور تیریش ناحیه اول تهرانند:

- گفته خمینی ما همه مرد جنگیم
- صداهای آمریکائی، جنگت تا جنگیم

این صف مادران است. این پیش میلیونها مادر ایرانی است که اکنون آذرخش میشود:

- آمریکا، آمریکا هرگ بر آمریکا تو
- خون شهیدان ما هرچقدر از جنگ تو

صف بندی دختران و پاهای آبادند. دختران کارگران، دختران دهقانان، مادران ایران آزاد:

- ایران را سراسر گورستان آمریکا می کنیم
- صف بندی از غرب تهران است. سنج و شیور و طبل، از کارزار سترگ خلق خبر میدهند:

- هرگ بر صداهای آمریکائی!
- متعهد می شویم، صداهای تو را می کشیم!

از همه شوس خلق می آید. مترسک های کارتر، رنگان عموها و صداهای آمریکائی، برچین رنگان امپریالیسم آمریکا می در پی به آتش سرده میشود. این صف بی پایان است. بی پایان در زمین سنگ، مراسم در چمن بزرگ لانه جاسوسی، ذک کتار خانه های ویلائی جاسوسان آمریکائی، آغاز میشود. بر آن چمن، که از خون جوانان وطن آب میخورد، اکنون طنین توانای فریادهاست:

- به سبزه، بزه به آمریکا!
- یکی از دانشجویان مسلمان بیروخط امام پشت تریبون میخورد.

می گوید:

صالح های پیش، اینجا مرکز توطئه علیه شما بود. امسال لانه جاسوسی آمریکا به شما و همه مستعین جهان تعلق دارد. خوش آمدید!

در سراسر میدان، تصویرهای امام خمینی موج میخورد. از بلندگو فریاد خشمگین امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۵۹ بگوش میرسد: «آمریکائی ها، ایران را اشغال کرده اید... چه چیزی بگذرد از خفت پدری از اسبوت...»

سپس گروهی از نوجوانان سرود می خوانند و در میان فریاد: «آمریکا دشمن، خمینی رهبر»
 «جنت الاسلام موسوی خوئی ها پشت تریبون فرامی گیرند و می گوید:

دشمن اصلی ما امریکاست

«امروز روزیست که بدست فرزندان رشید انقلاب، مرکز توطئه آمریکا تسخیر می شود و توطئه گران آمریکائی اسپر و دستگیر فرزندان انقلاب، امروز یادآور میداد این مبارزه و فراز و نشیب های این مبارزه و فداکاریها و قربانیان های این مبارزه و این پیروزی این مبارزه است. در شال ۹۳ پس از آنکه در مجلس شورای فرمایشی آمریکائی شاه مقدمه، قانون کابینولاسیون، یعنی مصوبیت مستشاران آمریکائی در ایران زیر فشار تئوتیزه های آمریکائی به تصویب رسیده تنها یکتنی در این کشور شامزده در این کشور دیکتاتور زده در این کشور آمریکائی زده، فقط یکتنی فریاد بر آورده که ملت ایران! سند پردگی و بندگی ایران را در مجلس شورای فرمایشی تصویب کرده، بپایزید و همه آن فریاد بزنید: هرگ بر آمریکا!»

جمعیت یکجا فریاد مینهد:
 «هرگ بر آمریکا»

«جنت الاسلام موسوی خوئی ها ادامه می دهد:
 «من اینجا یک جمله را به عموم ملت قهرمان و رشید ایران تذکر می دهم. یکبار دیگر در همین لانه جاسوسی در برابر جمعی از خواهران و برادران این نکته را تذکر دادم. برادران و خواهران انقلابی و مبارز مسلمانان نباید آفریز که شعار هرگ بر آمریکا از زبان ما بیفتد. لکن با شعار دیگری، جای شعار «هرگ بر آمریکا» را پر کنند.

بنابراین، بنادیده، بدانید که «آمریکا دشمن اصلی ملت و آمریکا دشمن شماره یک ما است، که هرگ بر آمریکا، فریاد هرگ بر آمریکا، هرگ بر آمریکا، جمعیت با دیگر فضای لانه جاسوسی سابق آمریکا و خیابانهای اطراف آنرا به رزه در می آورد. جنت الاسلام خوئی ها ادامه میدهد:

«قانون کابینولاسیون و مصوبیت مستشاران آمریکائی، که در مجلس فرمایشی آمریکائی تصویب شده به دستور آمریکا بود. این سند ننگین پردگی راه که شاه امضا کرده به دستور آمریکا امضا کرده و امامان که در آفریز پس از آن تصویب نامه ننگین در آن مستشاری بر سرور بر سر فاسی سولان کشور فریاد زده، فریاد علیه آمریکا بود. دستور فریاد امام از ایران به آمریکا فریاد سلامت پس از انتخاب جاسوسان به ریاست جاسوس آمریکا انجام شد. امام را از ایران تبعید کردند، چرا که امام فریاد زده بود که ایران را شاه در برابر لاهای آمریکائی به آمریکا فروخت، ایران باید به جای عهد برپا بگیرد که این مجلس فرمایشی آمریکائی سنده پردگی و بندگی ایران را در برابر آمریکا امضا کرده است. این آمریکا بود که امام را از ایران به ترکیه تبعید کرد. ولی این تپه آسمانی امام گوش فر فر این ملت رسیده و در دل و جان آفریزد این ملت نسیب. فرزندان این ملت! اکثریت شما که الان در اینجا هستند، دانش آموزان، دانشجویان، دانشکامان، وجود شما با فریادهای امام، پر است از کینه و خشم علیه آمریکا، و این زیرکات آن فریاد امامی که از آسمان بود که از آفریز بیست ساله، ستمی همیشه به گوش من و شما امامان خواند و فریاد زد که آمریکا دشمن ما است. و تا ایران هست و تا اسلام هست و آمریکائی جوانان خوار است، بازم برای همیشه آمریکا دشمن ما است. تمام تنگناها به سمت آمریکا باید نشانه بیرون. تمام قلبها باید علیه آمریکا یکار گرفته شود.

«امروز سدهادامه می نویسد یک نوکر سرسره آمریکا علیه ایران دست به تجاوز نظامی زده است. فراموشان نشود که دشمن شما آمریکا است. اگر چنانچه هر کسی دیگر که در دولتی هر قدری امروز علیه ما اقدام می کند، در خدمت آمریکا و نوکر آمریکا و برای منافع آمریکا اقدام می کند. پس باز دشمن اصلی و شماره یک ما آمریکا است. این نامه آسمانی امام در دل و جان عموم این ملت و فرزندان این پدر انقلابی است. باز سرانجام در پی مبارزات خونین انقلابیای پرشکوهر، در مجادله ای که سراسر حماسه بود و حماسه دانش آموزان و دانشجویان فرزندان این پدر روزی بازم بدستور آمریکا، دستور کارتر، این چرخه فساد و خیانت در بوی زمین، این فرزندان انقلابی این پدر پیر انقلاب را در زمین مقدس دانشکاه پخش و خون کشیدند.

«امروز ۳ خاطره عجیب در تاریخ انقلاب ایران بهم گره خورده است. روزی که در پی اعتراضات آشوبگرانه علیه امام آمریکا تبعید می شود. ولی این صیدا خاموش نمی شود تا در ۱۳ آبان ۵۷ همین آفریز، همین فریاد و اعتراض علیه آمریکا، از حلقوم میلیونها مسلمان به آسمان بلند است. دانش آموزان و دانشجویان نیشازان این حرکت عظیمی را در محیط دانشکاه آمریکا را به پشت انداختند و آمریکا ناچار با دست نوکر مزدور، محمدرضای خانی و عوامل پشت خود در ایران رگبار مسلسلها را به طرف سینه فرزندان این پدر پیر انقلاب گرفتند و محیط دانشکاه را از خون این عزیزان رنگین ساختند. ولی این فریاد خاموش نماند. این عبرت تاریخ است که آمریکا باید از این عبرت پند بگیرد و نمیکرد. آمریکا نمیتواند پند بگیرد و نمیتواند توبه کند. سرخوش مجرم آمریکا، سرخوش قتلش و جنس آمریکا شکست و نابودی است که امامان فرمود این قرن ستم ستمگرایان است. این فریاد خاموش و شدت و انقلاب

تبریز شد. انقلاب اسلامی ایران پیروز شد. پدر این ملت، پدر این فرزندان انقلابی، پس از ۱۵ سال تبعید بدستور آمریکا، پس از ۱۵ سال دوری از فرزندان خود، دوری از ملت، ولی سرانجام بنا به اراده ملت، با قیام ملت، مجدداً به میان ملت و فرزندان خود بازگشت.

«بعد از پیروزی انقلاب بازم در چنین روزی، در ۱۳ آبان ۵۸، فرزندان این پدر انقلابی بیست فرزندان این انقلاب، به اسارت درمی آیند و ۴۳ قانون مصوبیت مستشاران آمریکائی در مجلس شورای آمریکائی به تصویب می رسد و در ۱۳ آبان ۵۸ مرکز توطئه آمریکا، توطئه گران آمریکائی، بیست فرزندان این انقلاب، به اسارت درمی آیند و مرکز توطئه آمریکا به تسخیر ملت ایران درآمد. آمریکا می خواست در ایران برای مستشاران خود مصوبیت بگیرد. مگر با یک ملت انقلابی، با جانشین چنین پدر پیر و رهبر بزرگ انقلابی در ایران ممکن است به مستشاران آمریکائی مصوبیت داده در ایران تصویب نامه آمریکائی ملت ایران مشت محکمی به دهن آمریکا کوبید، مرکز توطئه آمریکا را تسخیر کرد و توطئه گران آمریکائی را اسپر کرد، که هر اکنون یکسال است اسپر ملت ایرانند.

«ملت ایران، خود را بشناسند. تا کجا تا به کجا برآورده اند؟ از کدامین مبداء به کجا رسیده اند؟ شما ملتی راه که سندی دیکتان را شاه آمریکائی مقدم امضا کرده بود، شما ملت این سنده یوسیده را پاره کردید و شما ملت سنده شکست آمریکا در برابر آزاده خدایان خود را به امضا رساندید، یا خون ۷۰ هزار شهید آن سنده را دردم دریدید و این سنده افتخار آفرین را به دنیا تحویل کردید. چا دارد که دنیا با چشم اصحاب به شما بلب نگاه میکند. دنیا نمیتواند پاود کند که ملتی اینچنین بهره، توبه، پیرونده بدون گشتن جنگی و سستی، در طول ۱۹ سال مبارزه با داین بیش از ۷۰ هزار شهید، با دادن بیش از صد هزار معلول، پس سیدان زنده انقلاب، ره صمصاه که نه، که ره چندین صدساله را طی کرده اند.

«امام دیروز در ملاقات دانشجویان مسلمان بیرو خط امام به یک نقله حماس و روح این حرکت انقلابی همین تسخیر لانه جاسوسی اشاره کردند، آن آمریکائی که در ایران اتباع خود را آورده بود، مستشاران خود را به ایران تحویل کرده بود و به این هم اکتفا نمیکرد، از مجلس شورای ایران درخواست امضای تصویب نامه ای را می کرد، که در آن تصویب نامه، اگر چنانچه یک آمریکائی در ایران بالاترین شخصیت ایرانی را نگهدارند و به او اعانت کند، مراجع قضایی و قانونی این حق ندارند او را محاکمه کنند. باید برگردد به آمریکا، یعنی یک آمریکائی افتد باید در ایران محرم باشد که مراجع قضایی و قانونی ایران حق نداشته باشند یک آمریکائی را گذارند. همین تصویب نامه همین همین قدرت پوشالی کارش بجزایر می رسد که ملت ایران وارد می شود و توطئه آمریکا می شود و همین اتباع آمریکائی را به گروگان می گیرد و می بیند، همچنان که امام فرمود، آمریکا هیچ غلطی نتوانست بکند.

«من با ایمان از چنین روزی، به ملت بزرگ ایران ستمی ندارم چنانچه، ای ملت بزرگ و رشیده خود را بشناسید و ببینید که از کجا تا به کجا سیر کرده اند. آمریکا برای شماچه خوابی می دهد و شما آمریکا را به چه ذلت و شکستی گذاشتید، و این همه توبه جز از وحدت یکبارگی و ایمان به خدا و رهبری پیامبر گویا، رهبر بزرگ انقلاب و پیامبر مسیحی و اسلامی ایران، امام خمینی، یک سخن با دانش آموزان و دانشجویان عزیزا دانش آموزان و دانشجویان عزیزا! آمریکا بهوی فرسوده است که اگر دستور آزادی و سیاسی انقلابی و فریادهای راهبردی امام فریاد همیشه همچنان در دل و جان ملت باشد، اگر شما برای همیشه همچنان در خط امام باشید، آمریکا هرگز نمیتواند به این کشور بازگردد و بر سرخوش شما مسلط شود. از اینجاست با تمام نیرو، با همه قدرت تبلیغاتی در خارج ایران و در داخل ایران، وسیله تمامی عناصر مزدور و خائن خود، در داخل کشور، در خارج کشور، به وسیله تمام مزدوران ضد انقلاب تلاش می کند برای از بین بردن ملت و فقط برای نابودی یک چنین «دانش آموزان دانشجویان» بیوفش باشد. تمامی قدرت آمریکا امروز بسیج شده است برای از بین بردن دانش خط امام، برای ایجاد تفرقه و فاصله بین ملت دانشجویان و دانش آموزان و خط امام. بیوفش باشد که اگر خدای نواست آمریکا با همه حیلها، با همه تزیینها و ترفندها بتواند برای یک لحظه شما را از امام و خط امامتان جدا کند، جهان لحظه لحظه تسلط آمریکا بر شما ملت عزیز و بزرگ ایران است، که خداوند چنین روزی را نیارود.

«جنت الاسلام خوئی ها در پایان می گوید:
 «اگر همیشه سخنان امام آفریز گوش ما باشد، ما ملتیبیم که برای همیشه از هرگونه تسلط آمریکا (چلوگری می شود) خط امام همیشه بر انقلاب و کشور ما حاکم خواهد بود، که نتیجه آن برای همیشه خط سبزه آمریکاست.»

آمریکا دشمن اصلی ما است

بعد از سخنان جنت الاسلام خوئی ها، آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر، در میان فریاد فریادهای هرگ بر آمریکا پشت تریبون قرار گرفت و گفت:

«بعضیها ممکن است خیال کنند این جنگ جمعی برای بر علیه انقلاب اسلامی ما به خاطر گروگانگیری است، من با ضراحت اعلام می کنم که آمریکا دشمن قطعی این انقلاب اسلامی ما است و هر حرکتی، چه با انجام بدیم و چه انجام ندهیم، دست از سر ما بر نخواهد داشت...»

پایه در صفحه ۱

اتحاد انقلابی خلقهای ایران و عراق بر ضد آمریکا و رژیم صدام

مارکس گفته است: ملت‌ها که با تمام نیروی جنگی خود به ملت دیگر ستون کنند، خود آزاد نیستند، بدان دلیل که یک رژیم مستکبر بر او حاکم است، که او را به مستکبری نسبت به دیگران وامیدارد.

این واقعیتی است که با تجاوز رژیم جنایتکار صدام به کشور آزاد ما، هر روز باروشنی‌تری پایتخت می‌رسد. اگر رژیم صدام یک رژیم ضد خلقی نمی‌بود، هرگز مرتکب این تهاجم رازنازه به کشور ما نمی‌شد. اگر مبنای آن بر دیکراسی و آزادی و اراده خلق قرار میداشت، این چنین برآمدگی را میان دو خلق برادر روشن نمی‌کرد.

در ادامه اختناق و آدمکشی در داخل عراق است که صدام پورته خونینش را بکنکور عزیز ما دراز کرده‌است، همچنانکه محمد رضای خونخوار در ادامه سیاست ضد خلقی در داخل ایران، روزی برای سرکوب‌کنندگی مستکبرانه به‌تفاهمی‌کنید و روز دیگر در امور داخلی همین عراق مداخله مسلحانه می‌کند. اصل علمی سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. باید دید با وضوح هرچه تمایز باثبات می‌رسد، رژیم جنایتکار صدام، همچنانکه

در مساجد اخیر، از نخست‌وزیر کشور آقای محمدعلی رجایی سؤال شد: «آیا قصد دارید پس از اخراج نیروهای عراق، به‌خاک عراق تجاوز کنید، تا اینکه رژیم عراق را سرنگون سازید؟» نخست‌وزیر در پاسخ گفت: «هدف اصلی ما از جنگ بیرون راندن دشمن می‌باشد. معتقدیم رژیم صدام بستم خود را در عراق سرنگون خواهد شد و جنگ فقط این واقعیت را تسهیل خواهد کرد.

(جمهوری اسلامی، ۲۲ مه ۱۳۵۹)

این نظر نخست‌وزیر درست‌است که هدف ما راندن تجاوزکن از زمین خود، آزاد کردن آخرین وجب خاک ایران، امحای آثار تجاوز و قصد تجاوز است. این نظر نیز درست است که رژیم صدام بستم تجاوزگر عراق سرنگون خواهد شد. این مردم عراق - عرب و کرد و ترکمن و سنی و شیعه و مسیحی و سازمانیابان مبارز اسلامی و انقلابی و ضدامپریالیستی کشور هستند که باید باره رژیم غدار صدام تکریمی تصمیم بگیرند و آنرا اجرا کنند.

این نیز درست است که جنگ

این واقعیت را تسهیل خواهد کرد، یعنی رژیم صدامی، با دست‌زدن باین جنگ، از طرفی قصد خلقی بودن و گسستن از خلق را به‌عنوان اعلامی خود می‌رساند و از طرف دیگر با شکستن حتمی در این جنگ، بوسیله‌ی یابانی خود را نشان خواهد داد. دچار بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خواهد شد و برآورد بیشتر از هر موعید دیگری گزندپذیر خواهد گشت.

ولی ما نیز وظیفه داریم که، علاوه بر اینکه با لبرد قهرمانانه خود شکست و پیمان‌شکنی را از رژیم صدامی تسهیل کنیم، برای کمک معنوی و سیاسی به نیروهای ضد صدامی، که سالهاست در داخل عراق علیه این رژیم مستور در لبردهای نیز از هر جهت آماده‌اند.

این نیروها بطور عمده سه گروه مختلف هستند:

نخست نیروهای مبارز مسلمان عراق، که بویژه در مناطق جنوبی و مرکزی آن کشور، هم ریشه و هم سابقه مبارزاتی مدیدی دارند. دوم نیروهای دمکراتیک و انقلابی دیگر، که حزب کمونیست عراق یکی از مهم‌ترین گردانهای آنها را تشکیل میدهد.

سوم نیروهای دمکراتیک و انقلابی. کمرستان عراق، که در رأس جنبش رهایی بخش خلق کمرستان عراق قرار دارند. بی‌شک، می‌توانیم بگوئیم که، اکثریت قاطع مردم عراق نیروی این سه نیروی عمده هستند و این سه نیرو مدتیست با رژیم صدام در حالت جنگ قرار دارند. باید بسراغ این نیروها وقت و با پشتیبانی معنوی و سیاسی از آنها، به تشدید و توسعه جنبش رهایی بخش عراق کمک کرد.

رژیم صدام یک سال و نیم است که به ضدانقلابیون داخل ایران آشکار و نهان کمک می‌رساند و گاه مستقیماً در عملیات ضد انقلابی آنها شرکت میکند. رژیم صدام سیل پول و سلاح و جاسوس را به داخل ایران و سرانبر ساخته، می‌کوشد که مانع از تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شود.

آیا ما حق نداریم از نیروهای انقلابی داخل عراق پشتیبانی معنوی و سیاسی بعمل آوریم و در تحکیم و هماهنگی و وحدت میان آنها و رفع اشکالات به آنها کمک کنیم؟ علیرغم اوضاع حساس و مشکلات جدی که برای تجاوز رژیم جنایتکار صدام بوجود آمده،

شوخی نیست...

«ناکام السلطنه» جدید - مارمولکی از جیب «مازگیری» «سیا»

این حکایت، معروف را لایه شنیده‌اید که خر سوئی را فروخته و پولی را از فم رابع گذرانده و شب تا صبح برایش سرود خفروفت، هم خوانده بودند، ولی صبح چنان سوئی خرس را می‌خواست که پالاش کند و راه بیفتد. و همه برایش خندیدند.

ولی این حکایت دیگر را شاید شنیده باشید که در محله «مشکلات» تبریز، که در گذشته محل سکونت اشرف و امیان ورشکسته دوره قاجاریه بود، قریب چهل سال پیش شخصی زندگی می‌کرد که، حسابهای خوش‌ریخته استی را گذاشته بودند «ناکام السلطنه». وی زنی داشت باسم «بیچت آقا» (ایران‌دیده برسم دوران ایلخانان مغول پهلوانان بجای خان، «آغا» میگفتند البته نه «آقا»).

«ناکام السلطنه» یکی از هزاران تیره تحصیل‌شاه بود و معتقد بود که تخت سلطنت حق اوست. بربنای همین «حق» در دوران انقلاب مشروطه یکی از مدافعین دربار قاجاریه و «تاج و تخت خوشی» و دشمن سرسخت انقلابیون بود و پس از انقراض قاجاریه، به «بیوه‌های بی‌غریبه» (پیش‌مطلق‌الدین‌شاه) که توانسته بودند «کلاهشان را نگاه دارند» فحش و دسرا می‌گفت.

الغرض، «ناکام السلطنه» که تریاکی هم بود و خیال میکرد روزی از روزها پادشاه ایران خواهد شد، همیشه داشت خودش را برای شاه شدن آماده میساخت. از جمله، در میانه‌ها روضه خوانی بی‌چون و چرأ در صدر مجلس می‌نشست و حتی وقتیکه داخل یک اتاق خالی هم میشد، یکسر میرفت بالا و ملک تنها در وسط ضلع بالا جلوس میکرد، که بالانتیسلت ملکه‌اش شود. از کله «من» احترام داشت و بخودش «ماه» میگفت و قبل جمع بکار می‌برد. حتی گاهی در تنه تریا، آواز معروف آذربایجانی را چنین می‌خواند: «کلمه شوخ اطفاوا، او پادشاه سنی، فرم گیله، او پادشاه سنی...» (یعنی: ای چشم سیاه، ماه آمده‌ایم باطن تو تا بیدارت کنیم...) از همه مهمتر، در محیط خودمونی «بیچت آقا» را بنام «علی‌احضرت» صدا می‌کرد و بار هم دستور داده بود که متقابلاً برای او، برسم قاجاریه، «علی‌احضرت» شهربازی خطاب کند.

«ناکام السلطنه» در حسرت تاج و تخت چشم از جهان «بیوفه فریست، نه تنها سلطنت به قاجاریه بزنکتند، بلکه بعدها سرسر انقلاب آفرین، دلتک تجدار، پیش‌محمدرضی دیکار را هم به آسوی کره ارض یرتاب کرد و آخرالامر به اسفل‌السا فلین سرگوش ساخت.

ولی مانند همه کشورهای که انقلاب کرده و جباران تاریخ را سرنگون ساخته‌اند، کشور ما هم تمدن‌پسندی معیان مایلیوالی بازگشت به عقب و انواع «ناکام السلطنه» ها را

کانون صنفی فرهنگیان آمادگی خود را برای شرکت در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد

خواهد داشت. هم‌اکنون یکدوجین ضد انقلابی «دکمه» از قبیل بختیار و اویسی و دیگران در کمین نشسته و خود را برای احراز مجدد ریاست و صدارت و امارت ایران آماده کرده‌اند. آنها مانند همه ضدانقلابیون فراری، تمام آمیختن را به نالوگان آمریکا حمله صدام و مجزعه اسرائیل بسته‌اند. خوابها می‌بینند، چرتها می‌زنند، چرتکه‌ها می‌اندازند، پولها می‌شمارند، حاضرین غلب می‌کنند و بشمارش معکوس هم می‌پردازند، گاهی بازگشت به دیهشت گمشده را چنان ظلم می‌پندارند که بر سر تقسیم پست باهم قهر هم می‌کنند.

در این گیرودار با وضوح بوی «ناکام السلطنه» جدید آشنا شوید، که طبق اخبار منتشره، «اشرف آغا» به دستور «کارت‌خنده» دارد آدا و اطوار پادشاهی پایش میدهد، تا روزیکه بمن «قانونی» رسیده داخل گوشش کند. منتظرند که «مهمان صدام» بکمک «پدر زوجهان سادات» و «دایه‌ی جوانان» و «پادری‌جان ملک حسین» گوشه‌ای از خاک ایران را برایش بگیرند و روز رسیدن بمن «قانونی» بعنوان «کابو» هدیه‌اش کنند و «ناکام السلطنه» در آنجا بکرسی بنشیند. در این میان تکلیف «مرغ طوفان» - بیخشد چند طوفان معلوم نیست که باید منتقل را در کجا بگذارد و تریاک و زغال از کجا بیآورد.

ناظران برسر روزگار بر این عقیده‌اند که کلاه سر «ناکام السلطنه» میگذازند. «صعجان» و «کارخان» راه‌چلو پایش میگذازند که آخرش بچی خواهد رسید که مثل پدرش هزار بار «فلط کرده» خواهد گفت و دیگر حکیم‌پاشی فسیاه هم پدایش نخواهد رسید که مرگش را تسهیل کند. این راه، آشرف سندی تهم در دادگاه انقلاب اعلامی ایران است.

لذا همان ناظران بر سر روزگار صلاح «رضاخان دوم» را در این می‌بینند که باسبون مهم‌جانه در دام «کارخان» نیفتد و بجای اهرم سلطنت‌بازی، همچنان بادکنک‌بازی را ادامه دهد. اگر هم اینرا سزاوار «دولت‌ساز» خود نمیداند، برود از بچارب یک کله امیراطور و پادشاه مخلوع و فراری که در اروپا و آمریکا می‌چرند، استفاده کند. از میان‌بچارب آنها، تجربه «صعجان ملک‌فاروق» از همه موافق‌حاشی است، که بعد از «خلیج» از مالک‌القابی مردم مصر، زشت‌گسستن و گزینو و کاربار باز کرد. با وجودیک چنین «صعجان» که متیسر در امور کازینوی و کازیناس در مسائل کاربار است، لطیفان داشته باشد که، کارش از کار «صعجان ملک‌فاروق» رونق‌دارتر خواهد بود.

پس حال «دودوب» ایران نگردد و به دیدن ایران درخواب آفتا کند.

نامه مردم
انگلیسی

دائرة انتشار
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۱ آذر شماره ۱۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM
No. 363
3 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند.

صندوق پستی
۲۱/۳۵۵۱ منطقه
۱۲ پستی تهران

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود